

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

عاملان کشتار خلق کرد باید مجازات شوند

در جریان وقایع خونین سندج ، مردم مبارزین شهر بانثار خون خود و بجاکذاشتن صدها شهید و مجروح ، سد راه توطئه‌های شدند که هدفش سرکوب انقلابیون کردستان و ایجاد هرج و مرج در منطقه بود .

"نشریه‌کار" سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در این روزهای حساس سه شماره فوق العاده ویژه کردستان منتشر کرد و آخرین خبرها و گزارش‌ها نیز که در وادی تلویزیون سانسور شده به آگاهی مردم ایران برساند از آنجائیکه سه شماره فوق العاده کار که در روز اول فروردین منتشر شد ، به دست همه نرسیده است ، قسمتهای از مطالب را در این شماره می آوریم .



رزمندگان خلق کرد در سندج در مقابل توطئه خائنه عناصر ارتجاعی و ارتش جانانه نبرد کردند . آنها ثابت نمودند که برای احقاق حقوق ملی و دمکراتیک خلق کرد آماده هرگونه فداکاری و جانبازی میباشند .

مشریح هر روز صفحه

**همگام با نیروهای مترقی
تاپای جان در کنار خلقها خواهیم بود**

مسئله کردستان و حق خلق کرد در تعیین سرنوشت خود در چهار چوب خودمختاری داخلی از جمله مسائلی است که باید با توجه به رویدادهای اخیر پاسخی قطعی و روشن به آن داده شود . خلق کرد مانند دیگر خلقهای ایران پیوسته با تم ملی و استثمار اقتصادی روبرو بوده و زمینه های رشد فرهنگ ملی و توسعه اقتصادی از آنها گرفته شده است . امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن همیشه بمنظور حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود به پایمال کردن حقوق خلقهای میهن ما پرداخته اند .

تجربه های تاریخی نشان میدهد که امپریالیسم از دوران رضا خان بعد برای اعمال سیاستهای ستیزگانه و غارتگرانه خود در میهن ما ابتدا دست به سرکوب خلقها زد و با ایجاد یک دولت متمرکز وابسته به خود توانست است برنامه های پشیمان کننده . امپریالیسم تلاش میکند که خواستهای برحق خلق کرد را در جهت خودمختاری داخلی ، تجزیه طلبی قلمداد کند ، تا بتواند مردم میهن ما را روبروی هم قرار دهد و هدفهای خود را عملی کند . ما هرگونه برجسب تجزیه طلبی به مبارزات خلق کرد را جزئی از دسیسه های امپریالیسم و عوامل مزدور میبدانیم . کسانیکه امروز سیاست زور و سرکوب را بر علیه خلقها بکار میبرند ، تنها به امپریالیسم و ارتجاع خدمت میکنند . آنها زمینه همکاری و اتحاد خلقها را از بین میبرند و به اختلافات دامن میزنند . تنها با دادن حق خود مختاری داخلی به خلقهاست که میتوان به هدفهای دمکراتیک رسید و امروز وحدت خلقهای ایران را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع تحکیم بخشید .

جانبداری از حق خود مختاری داخلی به معنای دامن زدن به گرایشهای کوفته نظرانه ناسیونالیستی و پشیمانی از این گرایشها نیست . خلق کرد اکنون خواستار آن است که در کنار خلقهای دیگر میهن ما در ساختن ایران آزاد و پیشرفته آینده نقش خود را ایفا کند .

عقب ماندگی اقتصادی کردستان با وابستگی کل اقتصاد ایران مرتبط است . زیرا در اقتصاد کشور ما که کاملاً ناموزون و بی قواره است هیچگونه هماهنگی در زمینه های مختلف اقتصادی وجود ندارد . امپریالیسم تنها آنجائی دست به ترکیب اقتصاد گذشته میزند که منافعش ایجاب میکند . از این رو تکامل اقتصادی - اجتماعی همه خلقهای میهن ما در گرو ناسود ی سرمایه داری وابسته است . بدون از بین رفتن سرمایه داری وابسته همه مبارزات خلقهای ما بی ثمر خواهد بود . امپریالیسم برای بی اثر کردن دست آوردهای جنبش کنونی از چندی پیش دست به یک سری توطئه و دسیسه زده است که جلوه آشکار آن را در وقایع اخیر کردستان به خوبی میتوانیم مشاهده کنیم .

**بخشی از اساسنامه
شورای یک کارخانه**

این روزها همه جاسمیت از حفظ دستاوردهای انقلاب میشود . راههای مختلفی نیز برای انجام این مهم پیشنهاد شده است . راهی که خلق ما بسندان میکشد ، قاطعترین راه است : ایجاد شورا . هر روز در گوشه و کنار کشورمان شوراهائی بوجود می آید . شورا های محلی ، شورای هماهنگی اداری ، شورای سربازی شورای دهقانی و شورای کارگری و غیره .

"شورای مرکزی انقلاب اسلامی کارخانه تراکتور سازی تبریز"

نیز از آن جمله است .
بقیه در صفحه ۹

**چرا در فراندوم
شرکت نمی کنیم؟**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لازم میدانند نظر صریح خود را پیرامون فراندوم پیشنهادی دولت موقت به اطلاع همه هم میهنان برسانند اعتقاد داریم که بررسی همه جانبه مسئله فراندوم و نشان دادن نقاط ضعف آن وظیفه هر نیروی انقلابی است . ما هرگونه دنباله روی از جریانات و حوادث روزمره را بدون آنکه بر یک بررسی انتقادی و تحلیلی استوار باشد محکوم میکنیم و آنرا برخورد غیرمسئولانه و غیر مردمی میدانیم .

ما طرفدار آن شکل و محتوی جمهوری هستیم که هر چه بیشتر مدافع منافع خلقهای تحت ستم ایران باشد ، نه هیچ چیز دیگری . در اینجا بحث بر سر نام جمهوری نیست . چه بسا جمهوریهایی که نامهای فریبنده ای برخورد بقیه در صفحه ۲

گزارشی از مبارزات موفقیت آمیز کارگران بیکار شده

در این شماره

- ۲ کارگران سخن میگویند
- ۳ قانون کار سابق باید لغو شود
- ۳ نامه سرکشاده به آیت اله طالقانی
- ۲ بهانه آیت اله عزالدین
- ۸ اخبار کارگری
- ۳ ادبیات کارگری
- ۴ نامه یک کارگر
- ۴ چگونه هشت هلی کوپتر مردم کردستان را به گلوله
- ۵ اخبار شهرها و روستاها
- ۶ قره نی باید محاکمه شود
- ۷ گزارشی از مبارزات موفقیت آمیز کارگران بیکار
- ۸ عناصر ضد انقلابی خلق ترکمن را بخون کشیدند
- ۸ آقای بازرگان معنی این جملات چیست ؟
- ۹ اخبار خارجی
- ۹ بخشی از اساسنامه شورای یک کارخانه
- ۱۰ پیام به کارگران مبارز صنعت نفت
- ۱۰ نامه به بازرگان
- ۱۰ پیام نیروهای هوادار به خلقهای سندج و ترکمن

خیل عظیم کارگران بیکار شده در طی ماههای اخیر ، زبردتترین فشارهای اقتصادی و سیاسی هراس داشته اند . آنها بارها به طور پراکنده به وزارت کار و اداره کارهای و کمیته های امام رجوع کردند و هر بار بسا جواب سربالا از طرف مسئولین روبرو شدند . تجربیات فردی و گروهی کارگران طی مبارزات پراکنده با آگاهی انقلابی درهم آمیخت و کارگران به لزوم اجتماعات و تشکل برای حل مشکلات خویش پی بردند . اولین اجتماع کارگران فصلی بیکار شده که عمدتاً کارگران تاسیسات بودند در ساعت ۹ صبح روز ۱۲ اسفند ۵۷ در سالن اجتماعات وزارت کار برگزار شد بدنبال آن اجتماع دیگری در خانه کارگر برگزار شد که مقدار بیشتری نسبت به جلسه قبل شرکت کرده بودند . به

امپریالیسم و ارتجاع از طریق عوامل خود برای مقابله با خواستهای برحق خلقهای ایران و به ویژه کردستان به تجدید سازمان ارتش پرداختند سرسپردگان آنها سیاستهای حساس را در ارتش دردست گرفته و زمینه را برای سرکوب خلقها آماده کردند . عوامل ارتجاعی داخلی به بهانه های مختلف از جمله دفاع از مذهب حمله به نیروهای مترقی را آغاز کردند و حتی فتوای قتل آنها را دادند . امپریالیسم و دست نشاندهانش میکوشند به شیوه های مختلف از جمله متوسل شدن به اختلافات مذهبی مسیر مبارزه را منحرف کنند .
بقیه در صفحه ۸

کارگران سخن میگویند

میلیونها کارگر ایرانی باز چیه نیستند

من کارگر کارخانه سیمان آریا هستم . ده سال است کار میکنم و ماهی دو هزار تومان حقوق میگیرم . در این کارخانه حدود ۶۰۰ کارگر و تعداد زیادی مهندس و کارشناس آلمانی کار میکنند که هنوز تعدادی از خارجیها مشغول کار هستند . بعضی از این ها صد هزار تومان در ماه حقوق میگیرند . چند ماه پیش یکی از همین مهندسه زدن توی گوش من . در مملکت خود من این بدترین خاطره زندگی من است . میخواستم خرخره اش را بجوم اما آن موقع نمیتوانستم . قدرت نداشتم ، چون تنها بودم . اما حالا احساس بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران سخن میگویند

میکنم که دیگر تنها نیستیم . حالا احساس میکنم که چند میلیون کارگر ایرانی پشت سرم هستند . کارگرانیکه آینده ایران و خلق مابدست آنها - ساخته خواهد شد . کارگرانیکه ضرورت وحدت را احساس کرده اند . حالا دربیشترکارخانه ها، شوراهای نمایندگان کارگران انتخاب شده اند . و مشغول درست کردن سندیکاها و اتحادیه ها هستند . اما اگر میخواهیم کارمان درست پیش برود نباید خودمان را به سندیکامحدودکنیم . چون میدانیم سندیکا نمیتواند جوابگوی تمام خواسته های ما باشد . ما باید کارهای سیاسی را جدی بگیریم و خواسته های خود را به مسائل صنفی محدود نکنیم . این را برای این میگویم که تجربه های گذشته تکرار نشود . مادروره های گذشته یعنی سالهای قبل از ۱۳۳۲ سندیکاهای رنگارنگ کارگری داشتیم . اما چون کارگران متشکل نشدند و آگاهی طبقاتی بدست نیاوردند و بعنوان نیروی سیاسی عمل نکردند ، نتوانستند "مهر نشان" خود را بر جنبش بزنند . بنابراین مثل "حباب" ناپدید شدند و ضدانقلاب با کودتای ۲۸ مرداد به راحتی مستقر شد . حرف امروز من اینست که چند میلیون کارگر ایرانی دیگر نباید اجازه دهند که آلت دست این و آن قرار گیرند . ما بچه نیستیم که به ما "عروسک" بدهند . ما کارگران به جای اینکه توقع داشته باشیم دیگران ما را "به حساب" بیاورند ، باید با بوجود آوردن تشکیلات سازمانهای خودمان ، کاری کنیم که دیگران از ما بخواهند که آنها را به حساب بیاوریم . من بعنوان یک کارگر این اجازه را بخودم میدهم که از جانب همه زحمتکشان بگویم ، هیچکس ، درهرمقامی که بخواهد باشد ، حق ندارد "روی کارگران معامله کند" . ما از کسی صدقه نمیخواهیم و به طرف کسی هم دست دراز نکرده ایم . مسئله ما هم مسئله یک تومان و صد تومان و اینجور حرفها که متأسفانه برای بعضیها هدف اصلی شده ، نیست . ما باید بجای توجه به منافع زودگذر که اغلب حالت "ناز و نوازش" و "بده وستان" دارد به منافع دراز مدت و تاریخی خود بیندیشیم . منافع که آینده ما و آینده خلق ما به آن تعلق دارد .

قانون کار سابق باید لغو شود

در این شماره بخشی از سخنان رفقای کارگر در باره سندیکا و دیگر مسائل کارگری که از بحثها ، سخنرانی ها و گزارشها جمع آوری کرده ایم نقل میکنیم :

در باره سندیکا :
نظر یکی از رفقای کارگر این است که : " در حال باید متشکل باشیم تا بتوانیم حقوقمان را بدست آوریم . تا بحال هم سندیکاهای واقعی هم قوی در کارخانه های بزرگی مثل صنعت نفت ، ماشین سازی و تراکتور سازی تیریز درست شد ولی این سندیکاهای واقعی نمیتوانند باقی بمانند و به فعالیت ادامه دهند که بین خودشان ارتباط ایجاد کنند و اتحادیه ها را تشکیل دهند . تا هم قدرتشان بیشتر شود و هم پایدار و فعال باقی بمانند .

سندیکالازم است اما به هیچ وجه کافی نیست !
کارگری بدنیاله صحبت کارگر دیگری میگفت : " رفیق ! وقتی از کارگاه و کارخانه صحبت میکردی ، چنان پیدا بود که گویا از طریق سندیکاهای اتحادیه ها میتوان تمام حقوق کارگر را گرفت . این فکر کاملاً اشتباه است البته این را در نظر داریم که سندیکای واقعی بعضی از حقوق ما را میتواند بگیرد ولی نه همه حقوقمان را . همه حقوقمان را فقط با تشکیلات سیاسی طبقه کارگر و مبارزه طولانی میتوانیم بدست آوریم . "

کارگران فقط خودشان میتوانند مدافع منافع خودشان باشند .))
تجربه نشان داده است که بجز برخی موارد جزئی ، وزارت کار از خواسته های کارگران دفاع نکرده و همیشه طرف کارفرما را گرفته است . تجربه ، سالهای گذشته به کارگران آموخته است که وزارت کار وسیله ایست در دست کارفرما برای فریب دادن کارگران و بخصوص برای جلوگیری از اتحاد کارگران . این دستگاه دروغ پردازی و حیلگری که خود را مدافع منافع کارگران معرفی کرده ، درحقیقت دستگاهی ضد کارگری بوده . همین تجربه های گذشته است که ما نشان میدهد که فقط کارگران خودشان میتوانند مدافع منافع خودشان باشند . فقط اتحاد بین ما میتواند ما را از شر اینهمه زورگوئی و قلندری و حیلگری نجات دهد .

قانون کار سابق باید لغو شود .
کارگری میگوید یکی از مسائلی که باید در سندیکای واقعی مطرح شود ، لغو قانون کار سابق است . قانون کار سابق بدون نظر کارگران تصویب شده و تمام مفاد آن فقط و فقط به نفع کارفرما و سرمایه دار است . چرا مثلاً مدیرکل باید ۴ روز در سال تعطیل داشته باشد و من ۱۲ روز . که آنرا هم اسم گفته اند و رسماً تعطیلات خبری نیست .

چرا در رفرا ندیم ...

گذاشته اند اما اساس ضد خلقی دارند . اساس هر جمهوری "قانون اساسی" آن است نه نام آن . اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ، مدافع حقوق خلقهای ایران و پاسدار استقلال و آزادی مردم میهن ما باشد ، چه کسی میتواند با آن مخالف باشد ؟ اما آیا بدون تدوین قانون اساسی و روشن شدن محتوی کامل جمهوری میتوان درباره آن قضاوت کرد ؟

بمعنای ماقبل از هر چیزی باید نمایندگان واقعی و راستین مردم برای تشکیل مجلس موسسان انتخاب شوند . این مجلس موسسان است که صلاحیت تدوین قانون اساسی و انتخاب یک یا چند نوع جمهوری را دارد و باید آنرا به نظرخواهی (رفرا ندیم) مردم بگذارد . در غیر این صورت طراحان و مجریان رفرا ندیم عملاً مانع شرکت بسیاری از نیروها خواهند شد که میخواهند حق دارند بدانند به چه فرای می دهند .

بعلاوه پیش از انجام هرگونه انتخابات باید حداقل شرایط و اوضاع و احوال مناسب برای برگزاری انتخابات فراهم باشد . بدون وجود شرایط دمکراتیک همه نیروهای انقلابی و سازمانهای رزمنده نمیتوانند آزادانه نظرات و عقاید خود را برای مردم توضیح دهند . هنگامیکه مرتجعین و باز ماندگان رژیم سابق خود سرانه به تفتیش عقاید مشغولند و با تهدید و آزار و توهین و تعرض ، جرح و حتی قتل انقلابیون را در معرض شدیدترین فشارها قرار داده اند . زمانیکه از همه وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون و مطبوعات خواسته میشود تا هر چه بیشتر علیه برخی از جریانهای سیاسی تبلیغات سوء و یکجانبه به راه اندازند و اهداف آنها را در نظر مردم مخدوش سازند

در شرایطی که رسماً گفته اند از ۲۴ ساعت وقت را دیوتولویزیون فقط چهار دقیقه آنهم با اعمال سانسور در اختیار نیروهای سیاسی دیگر قرار میگیرد ، در شرایطی که حتی میان شهدای خلق نیز تبعیض قائل میشوند و مجلس یاد بود رزمندگان بخون خفته خلق که در راه مردم و میهن جان خود را فدا کرده اند با تحریک عوامل ضد انقلاب به هم ریخته میشوند ، و قتیکه هر روز خبر جدیدی از حمله عناصر مرتجع و ناگاه به دفاتر سازمانهای پیشرو انقلابی انتشار مییابد ، شرایط دمکراتیک برای نظر خواهی از مردم فراهم نیست .

هنگامیکه دولت موقت نتواند ابتدائی ترین وظیفه خود را که جلوگیری از مداخله سرکوبگرانه جریانهای غیر سیاسی و استبداد طلبانه ضد آزادی است ، انجام دهد ، نمیتواند رفرا ندیم را در شرایط آزاد و دمکراتیک برگزار کند . از این گذشته مردم میخواهند بدانند محتوی جمهوری اسلامی چیست ؟ وضع آنها نسبت به گذشته چه تفاوتی خواهد کرد ؟ وضع کارگران چه خواهد شد ؟ آیا حقوق دمکراتیک و آزادی سیاسی مردم تضمین خواهد شد ؟ آیا امپریالیزم را از ایران اخراج خواهند کرد یا همچون امروز انقلاب در نیمه راه رها و راه برای نفوذ سلطه مجدد امپریالیزم باز خواهند ماند ؟ به راستی که هیچ کس از محتوی و مضمون جمهوری اسلامی اطلاع ندارد . گذشته از اینها نحوه برگزاری رفرا ندیم و طرح این سؤال که با جمهوری اسلامی موافقت یا خیر و اگر موافق نیستید طرفدار سلطنت شناخته خواهید شد توهین به انقلاب خلق است . خلقهای قهرمان ما رژیم سلطنتی و همه طرفداران مزدور آنرا در بربری خونین شکست داده اند . سلطنت طلبان دشمنان خلقند و به هیچ وجه حق در تعیین سرنوشت خلقهای ایران ندارند . مردم در جریان قیام خونین خود متحدان زحار و تفرغ خود را از رژیم پسوسیده سلطنتی اثبات کردند . در این راه تمام خلق به پا خاستند و با تکیه بر قهر انقلابی و با تمام خشم ، رژیم کثیف شاهنشاهی را برای همیشه به گور سپردند . مردم با خون خود نه تنها رای مخالف خود بلکه ننگ و نفرین ابدی خویش را نسبت به رژیم شاهنشاهی ابراز داشته اند .

قیام خونین ۲۷ میلیون خلقهای متحد ایران قاطعترین و وسیعترین سند نفی است که بتواند از منافع همه خلقهای ایران دفاع کند ، این توهین به مردم است که به آنها گفته شود اگر با جمهوری اسلامی موافق نیستید سلطنت طلب هستید . این دیکتاتوری محض است که انقلابیونی را که در راه سرنگونی رژیم مغفوریادشاهی از جان خود گذشته اند ، بخاطر آن که خواهان نوع دیگری از جمهوری هستند ، در کنار مزدوران رژیم منفور سلطنتی گذاشته شوند .

بنابراین از آنجا که معتقدیم باید عالم و عامداً و با آگاهی کافی به جمهوری مورد نظر خود رای مثبت دهیم ، و این تنها پس از تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی میسر است . از آنجا که معتقدیم هر نوع نظر خواهی از مردم باید در شرایطی کاملاً آزاد و دمکراتیک صورت گیرد ، و فعلاً دولت قادر به تضمین آزادی های سیاسی برای همه نیروها نیست و گامی هم در این جهت برنمیدارد از آنجا که معتقدیم طرح سؤال رفرا ندیم بصورت آنجا که جمهوری اسلامی را قبول دارید پانه یکجانبه و مستبدانه است . باید برخلاف فرصت طلبان و دورویان ، صادقانه و صراحتاً به مردم میهنمان بگوئیم در این شرایط در رفرا ندیم پیشنهادی دولت شرکت نمیکنیم .

از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به :

مجاهد عالیقدر

آیت الله طالقانی

در جریان مبارزه آزادیبخش خلقها ، لحظاتی پیش می آید که تصمیمات درست و بجای رهبرانیکه به عمق نیازهای مردم واقفند میتوانند از رویدادهای ناگوار جلوگیری کنند و راهگشای حل دشواریها باشد . هفته گذشته یکی از این لحظات در گوشه ای از میهن خونین ما پیش آمد و چه بجای موقع ماوریتی خطیر را پذیرفتید . هر چند که مفرضان کوشیدند با سمیاشیها و اخبار جعلی شما را از درک عمیق و درست حوادث کردستان بازدارند اما سوابق و تجارب مبارزاتی شما ، که زندگی خود را وقف مبارزه در راه آرمان مردم کرده اید ، بصورت قاطعترین وسیله برای خنثی کردن توطئه ها و شناخت درست از نادرست جلوه گر شد . شما با تماس مستقیم با مردم داغ دیده سنج و با مجروحان حوادث کردستان ، ریشه دردهای خلق کرد و علل حوادث ناگوار اخیر را با شناختی و در گفتگو با مردم اذعان داشتید که نفاق افکنی میان مردم و سرکوب مردم توطئه ایست که از جانب امپریالیزم و عوامل مرتجع آن طرح ریزی شده است . شما برای از بین بردن اختلافات و حل مسئله کردستان همه مساعی خود را به کار گرفتید و حتی راه حلهایی نیز پیشنهاد کردید که حاکی از علاقه و افراتان به حل مشکلات مردم بود .

ما بارها گفته ایم جنگ داخلی آتشی است که امپریالیزم و ارتجاع به آن دامن میزنند ، بخوبی آگاهی و برخورد مثبت شما را با مسئله درک میکنیم . پشتیبانی شما از طرح پیشنهادی " شورای موقت انقلاب سنج" میتواند راهگشای حل دشواریهای مردم کردستان باشد . ما امیدواریم حسن نیت شما سر مشتی برای آتشی باشد که نمیخواهند و با اگر خوشبینانه بگوئیم نمیتوانند برخوردی راهگشایانه با مشکل خلقها و بویژه خلق کرد داشته باشند .

ما امیدوریم در راه اجرای پیشنهادات منطقی شما هیچگونه کارشکنی از طرف کسانی که با سیردن کار خلقها به خودشان و ایجاد زمینه خود مختاری خلقها - که حق مسلم آنهاست - منافعی در خطر بیفتد ، صورت نگیرد . تردید نداریم که شما این موضوع را درک میکنید که امحا ستم دوگانه ای که برای خلق دلیر اعمال شده نیاز به اقدامی انقلابی داشته و دارد و بدین جهت یک بار دیگر براهمیت اقدامات ارزنده شما تاکید کرده و موفقیت شما را در راه خدمت به خلقهای ایران آرزو میکنیم .

با درود فراوان - سازمان چریکهای فدائی
۱۳۵۸/۱/۷ خلق ایران

بنیابه آیت الله عزالدین حسینی رهبر خلق کرد

بسم الله الرحمن الرحيم
مردم آزادیخواه و مسلمان ایران ، خلق مبارز کرد ، جامعه اهل تسنن .
با بلاغ سلام و درود مراتب زیر جهت اطلاع عموم اعلام میگردد . ضمن تأیید اهداف انقلاب راستین ملت شریف ایران و اعتقاد راسخ به مبانی و اصول اساسی اسلام ، چون محتوی جمهوری - اسلامی مبهم و نامعلوم است و بویژه از نظر حقوق تعیین سرنوشت مسئله خود مختاری کردستان در چهار چوب ایرانی آزاد و حقوق حقه سایر خلقها نامشخص میباشد ، بنابراین تا زمانیکه رسماً جواب قطعی در این مورد از طرف دولت و شورای انقلاب اسلامی ایران اعلام نگردد ، شخصاً از شرکت در رفرا ندیم خودداری نموده و مردم نیز باتوجه به مسئولیتهای ملی و مذهبی خود آزاد و مختارند . والسلام علیکم ورحمهاله و برکاته .
سیدعزالدین حسینی امام جمعه مهاباد
۵۸ / ۱ / ۷

خلاصه اخبار

آبادان - پیمانکاری فاسترویلر تهران جنوب
"مجلس همانجاست که مردم هستند."
کارگران صنایع فولادها - سوز طی نامه ای خطاب به کارفرمای فاسترویلر تهران جنوب خواهشهای خود را اعلام کرده اند. این نامه با جمله معروف دکتر مصدق "مجلس همانجاست که مردم هستند" آغاز شده است.
در این اعلامیه کارگران با تکیه بر سخنرانیهای آیات عظام خواستار کاهش ساعات کار خود شدند و باین امر اشاره کردند که "نظریه اینکه قانون هشت ساعت کار در روز و چهار ساعت کار در هفته در اغلب کارگاهها و کارخانجات کشور اجرا میشود و بیروزی انقلاب و ادامه آن در جهت محو استثمار انسان از انسان به پیش می رود " لذا هرگونه تاخیری در این امر نشانه عقب ماندگی عمد و نشانه فقر فکری است. در پایان نامه نیز توضیح داده اند که "ما کارگران فاسترویلر تهران جنوب خواهشهای خود را تعطیل فوری پنجشنبه هامیباشیم".
این نامه توسط هزار کارگرمضاء شده است.

اهواز

حدوده ۸۰ نفر از کارگران ماشین سازی - پارس آروز به خواستار کسب حقوق و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود به مدت ۲۵ روز تعطیل روز پنجشنبه شدند. ابتدا کارفرما به بهانه باز نبودن کار و صندوق مهلت میخواست ولی با تصمیم بیکارچاق قطع کارگران منی بر ماندن در کارخانه و اصرار در خواستار سرانجام تسلیم شده و حقوق همه کارگران را میپردازد و با تعطیل پنجشنبه موافقت میکند.

اهواز - یکشنبه ۱۲۸ اسفند کارگران شرکتهای

تهیه لیا ف ویلی اگزیریل ایران پس از تعطیل پنجشنبه و نگاهداشتن مدیر عام کارخانه در اداره مرکزی تهران بخشهای از خواستهایشان را بدست آوردند و موفق شدند ده میلیون تومان بابت حقوق عقب مانده و مزایای خود دریافت کنند.

رشت - کارگران شرکت پوپلیس

شوراهای کارگری خود را تشکیل دادند و قراست عده ای از کارگران اخراجی این شرکت توسط این شورا به کسار گمارده شوند.

کارگران شرکت بان در کیلومتر

۶ بابل - شاهی آروز ۲۳/۱۲/۵۷ در فرمانداری متحصن شدند.

روستائیان یکی از روستاهای

کیلومتر ۶ بابل شاهی امروز در اداره کشاورزی بابل بست می نشینند و خواستار آن هستند که بانک کشاورزی به آنها وام بدهد.

برای مبارزه باید آماده شد

گیلان

که چاره درد کارگران اتحاد است. ما فهمیدیم که کارگران همه منافع مشترک دارند و برای دفاع از منافع مشترکمان شورای کارگری درست کردیم. میدانیم که برای گرفتن حقمان بایستی مبارزه کنیم و برای مبارزه بایستی آگاهی پیدا کنیم که دوست دشمن خود را بشناسیم.
خواستهای عمده کارگران شرکت پسا از این قرار بود:
۱- برگرداندن تمام کارگران اخراجی بر سر کار.
۲- پرداختن حقوق ایام بیکاری به کارگران اخراجی.
۳- برگشت دادن پول بیمه و مالیات به کارگران.
۴- پرداخت حقوق روزهای جمعه و روزهای تعطیل.
۵- برگشت دادن پول جریمه و قطع هرگونه جریمه.
۶- پرداخت دستمزد اضافه کاری بابت مابه التفاوت ساعت کار.

دفاع از حقوق عقب افتاده کارگران

کارخانه "چین مد" آمل
فشار سندیکی کارگران، قول داد که کلیه مطالبات عقب افتاده کارگران را بپردازد. ولی در موعد مقرر کارفرما به قولی که داده بود عمل نکرد.
شورای منتخب کارگران اجبارا در روز ۲۹ اسفند تصمیم به فروش تولیدات کارخانه گرفت و مبلغ هفتاد هزار تومان حاصل از فروش را بین کارگران تقسیم کردند.

کارگران شرکت پسا طی تحصن قطعنامه ای صادر کردند که در آن از شیوه های قبلی کارفرما عدم آگاهی کارگران از شکل مشکل مبارزه سخن گفته اند و ضمن اشاره به حقوق پایمال شده شان چنین توضیح دادند: کارفرما حق بیمه از ما کم کرد و دفترچه بیمه در اختیار ما قرار نداد، نماینده اداره کار هرگز به ما سرزند (.....) ما از کارفرما به اداره کار شکایت می کردیم و نماینده استیم کذا در اداره کار فرط بیان است نه کارگران. ما آنقدر زیر ستم بودیم که حتی فرصت اینک به دور بر خود بنگریم و از اوضاع دنیا باخبر شویم نداشتیم. از قوانین کار اطلاعی نداشتیم، نمیدانستیم سندیکی حق مسکن و حق خواروبار چیست؟ اگر کارگری میخواست از کارگردیگری دفاع کند کارفرما به او میگفت توجح خود را ثابت کن نه حق دیگران را. کارفرمایان همیشه سعی میکردند کارگران را جدا از هم نگاهدارند و غارتشان کنند. ولی ما اکنون به قدرت اتحاد خود پی برده ایم. درک کردیم

کارخانه ارج - جاده کرج

چهارشنبه ۲۴ اسفند کارگران شرکت ارج بعنوان اعتراض به میزان سود ویژه بطور دسته جمعی به ساختمان امور اداری شرکت هجوم آوردند. بین کارگران و مدیران شرکت از جمله قائم مقام مدیر عامل برخورد و درگیری شدیدی پیش آمد که منجر به مجروح شدن تعدادی از افراد گردید. به دنبال درگیری مسئولان کارخانه از نخست وزیری و کمیته امام استمدا د طلبیدند. سرانجام مدیران شرکت مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان به میزان سود ویژه افزودند تا بدینوسیله تا اندازه ای رضایت کارگران را جلب نمایند.
ضمنا لازم به تذکر است که در این کارخانه اکثر مدیران شرکت از جمله مدیر عامل شرکت به خارج فرار کرده اند.

کارخانه لیفیت تراک تبریز

کارگران کارخانه لیفیت تراک سازی سپند و ابسته به ماشین سازی تبریز حقوق خود را گرفتند.
کارگران این کارخانه با افشاگری کارکنی مدیر عامل و حفظ ارتباط مداوم با دیگر کارخانجات از طریق اعزام نماینده به آنجا توانستند حقوق خود را به شرح زیر باز کارخانه بگیرند:
۱- دریافت ۷۸۰۰ تومان علی الحساب از بابت سود ویژه عیدی.
۲- عدم کسر معادل نصف حقوق که شهریور ماه به آنها پرداخت شده بود.
۳- عدم کسر ۱۰٪ تعاونی.

کلیه اخرجیهای شرکت ایران

سوئد (۱۷۰ نفر) طی روزهای ۲۸ و ۲۹ اسفند، چک حقوق و مزایای حقوق خود را دریافت کردند. این کارگران برای دریافت این حقوق به وزارت کار رفته بودند.

تشکیل شورای کارگری ضمن تحصن

لاهیجان - کارگران شرکت ملاوی از روز ۲۳ اسفند تا ۲۵ اسفند به تحصن نشستند و از ابتدای تحصن کارفرما حسابدار کارگاه و مهندس کارگاه را در کارخانه زندانی کردند. این کارگران ضمن تحصن یک شورای کارگری تشکیل دادند و طی قطعنامه ای خواهشهای خود را اعلام کردند که به دریافت کلیه خواستهایشان نائل آمدند. مهمترین خواستهای آنها عبارت بود از:
دریافت حقوق یک ماهه بیکاری، پرداخت حقوق روزهای جمعه و روزهای تعطیل (در این روزها کارگران بدون دریافت حقوق کار میکردند)، باز پرداخت پولهای جریمه و قطع هرگونه جریمه در آینده، پرداخت دستمزد اضافه کاری (مابه التفاوت بین هشت ساعت کار با ده ساعت کار)، پرداخت پاداش وعیدی، خواربار و حق مسکن برگشت دادن پول بیمه و مالیات. ضمنا در تحصن مذکور ویس از تشکیل

شورا موارد زیر نیز باتا شد: کامل کارگران و کارکنان به امضاء رسید:
۱- فقط نماینده کارگران میتواند با کارفرما صحبت کند و مشکلات فقط بوسیله نمایندگان مطرح شود.
۲- کارگران باید نظرسطرات و پیشنهادهای نمایندگان را بپذیرند و با توافق خود کارگران در تصمیم گیری شرکت کنند.
۳- رعایت مقررات شوروی کارگری بوسیله همه کارکنان و کارگران شرکت الزامی است.
۴- کارگران تصمیمات اتخاذ شده از طرف نمایندگان واقعی خود را پس از رسیدگی و شور به مرحله اجرا میگذارند.
۵- پیروی از نمایندگان و تصمیمات اتخاذ شده از طرف همه کارگران و کارکنان الزامیست.
۶- نمایندگان حق تصمیم گیری فردی به هیچ وجه ندارند.

موفقیت کارگران توسط شورا

اهواز و کارمندان شرکت کیمسون در منطقه کارون اهواز موفق شدند با ایجاد شکل و بیکارچگی، حواسه های برحق خود را از کارفرما بگیرند.
شورای نمایندگان کارکنان کارگاه که باره ای خودشان انتخاب شده بود درخواست های آنها را با نسیبده کارفرما مطرح کرده و کلیه کارگران و کارمندان بطور بیکارچه از نهاد دفاع کردند. در شورای نمایندگان از گروه های کارگران ساده، کارگران فنی و کارمندان جمعا ۶ نفر انتخاب کردند. فلان برای این انتخابات ضوابطی به نصاب کله افراد رسیده بود.

مهمترین درخواستهایی که موفق به کسب آن شدند به قرار زیر است:
۱- تقلیل ساعات کار روزانه به ۸ ساعت.
۲- دوروز تعطیل در هفته (جمعه و ۴ ساعت کار).
۳- برای ساعات کار اضافه ۳۵٪ اضافه دستمزد پرداخت شود (علیرغم قانون کار موجود این قاعده در کارگاههای ساختمانی رعایت نمیشد).
۴- در برابر کار در روزهای تعطیل ۱۳۵٪ درصد اضافه دستمزد.
۹- اخراج کارگر و کارمند باید با امانت و شوری کارگاه صورت پذیرد.

کارگران ۱۰ میلیون تومان سود ویژه خود را گرفتند

رشت - کارگران کارخانه ریسندگی رشت وابسته به گروه صنعتی خاور و کارگران کارخانه فومنات وابسته به همین گروه توانستند به بخشی از خواستهای خود دست یابند.
از چندین هفته قبل مذاکراتی بین شورای انتخابی کارگران ورئیس کارخانه، درباره سود ویژه آغاز شد. از طرفی کارگران کارخانه فومنات نیز که وابسته به این کارخانه است و در نزدیکی آن قرار گرفته است، کارگران خواستار دست یافتن به حقوق خود

شدند. در هر کارخانه، بعلمت عدم رسیدگی به خواستهای کارگران، کارگران بعنوان اعتراض رئیس کارخانه و کلیه مهندسان را بازداشت کردند. سرانجام طی مذاکراتی چند با استناد ر و کمیته امام و بعلمت تصمیم قاطع کارگران در دریافت خواستهایشان با خواستهای آنها موافقت شد و کارفرما موافقت کرد که چهار میلیون تومان سود ویژه کارخانه رشت و ۶ میلیون تومان سود ویژه کارخانه فومنات داده شود. ضمنا کارگران خواستار بیکارچگی مدیرکل کار نیز شدند.

((موفقیت کارگران دخانیات))

کارگران شرکت دخانیات ایران در خیابان قزوین روز یکشنبه ۱۲۸ اسفند بعنوان اعتراض به شرایط خود دست نیافتن به خواستهای خود که عبارت از پرداخت طلبهای قبلی و اضافه دستمزد و غیره بود رئیس بخش سیگارت سازی را بازداشت کردند. عصر همان روز

نماینده کمیته امام برای انجام مذاکرات به کارخانه آمد ولی کارگران چون نتوانستند با نماینده کمیته امام به توافق برسند فردای آروز به تحصن نشستند. سرانجام پس از اینکه کارفرما با خواستهایشان موافقت کرد تحصن را شکستند.

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

پیوند هنر با واقعیت

رفقای کارگر

در صحبت‌های قبلی به این نتیجه رسیدیم که هنر و ادبیات کارگری و مردمی پیوند نزدیکی با واقعیت دارد. در اینجا لازم است دو نکته را توضیح بدهیم.

اول اینکه هنر و ادبیات چه کارگری باشد و چه غیر کارگری، به هر حال نوعی ارتباط با واقعیت دارد. مگر اصولاً آدم میتواند چیزی را خلق کند که هیچ نوع ارتباطی با واقعیت نداشته باشد؟ این چیزی که با واقعیت ارتباط ندارد از کجا آمده؟ ممکن است بگوئید آدم از تخیل خودش از فکر و خیال و تصورات خودش کمک میگیرد، و چیزی را خلق میکند، مثل دیو و جن و پری و اینطور چیزها که توی قصه‌های آیدولی در واقعیت وجود ندارد. اما شما یک دیو خیلی عجیب و غریب را که در شاهنامه و یادامیر اسلان و قصه‌های دیگر آمده، در نظر خودتان مجسم کنید. فرض کنید این دیو شاخ و دم و چنگاله‌های دراز و دندانهای بلند و تیز و خصوصیات عجیب و غریب دیگری داشته باشد. چنین دیوی در واقعیت وجود ندارد. اما اگر شما خوب دقت کنید، می بینید هر قسمتی از بدن او به هر حال به نوعی از واقعیت گرفته شده است. شاخ، دم، چنگال و بقیه چیزها تکیه او دارد همه در جانوران و در طبیعت هم عیناً یا با کمی تفاوت وجود دارد. یا مثلاً یک تابلوی نقاشی خیلی مدرن را در نظر بگیرید که توی بعضی نمایشگاهها دیده میشود فقط از یک مقدار اشکال و خطوط و رنگهای درهم و برهم تشکیل شده. شما هر قدر به این تابلو نگاه کنید از معنی آن سردر نخواهید آورد. و هیچ رابطه‌ای بین آن و واقعیت نخواهید یافت.

اما اگر به اجزاء مختلف این تابلو جداگانه نگاه کنید خواهید دید که تمام آن اشکال خطوط و رنگها در طبیعت و در واقعیت وجود دارند. هر شکلی به هر حال در بین اشکال هندسی پیدا میشود که آنها هم از طبیعت گرفته شده‌اند. پس کاریکه هنرمند کرده این بوده که واقعیت را تغییر داده و جابجا کرده و در آن دخل و تصرف کرده. مثلاً شاخ گوزن و دم گاو را وصل کرده به بدن خروس و یک موجود غیر واقعی به وجود آورده. بنابراین هر چیزی هم که در تخیل انسان شکل میگیرد باز در اصل از واقعیت گرفته شده است. هنر و ادبیات هم، در هر شکل خود، رابطه‌ای با واقعیت دارد. اما نوع این رابطه فرق میکند. این رابطه میتواند خیلی نزدیک یا خیلی دور باشد. بعضی‌ها به واقعیت روی می‌آورند و در نتیجه "واقع‌گرا" یا "رئالیست" هستند ("رئال" یعنی "واقعی" و "رئالیست" یعنی "واقع‌گرا") یا کسی که به واقعیت گرایش دارد. بعضی‌ها هم از واقعیت فرار میکنند و در نتیجه "واقع‌گریز" یا "اندر رئالیست" نام گرفته‌اند. این فرار از واقعیت ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد ولی معمولاً کسانی از واقعیت فرار میکنند که از آن خوششان نمی‌آید یا آنرا با منافع خودش در تضاد می‌بینند و در ضمن هیچ راه‌حلی هم برای اصلاح آن نمی‌شناسند و امید می‌دهند که بهتر شدنش ندارند. ما فعلاً با این گروه و ادبیات و هنر آنها کاری نداریم. چون قبلاً برای ما روشن شده بود که هنر و ادبیات کارگری، "واقع‌گرا" و "رئالیست" و دارای پیوند نزدیک با واقعیت است.

و اما نکته دومیکه باید توضیح بدهیم.

هنر، چیزی بیشتر از واقعیت است

تاکید ما روی این موضوع که هنر و ادبیات کارگری پیوند نزدیکی با واقعیت دارد، ممکن است این سؤال را پیش بیاورد که آیا بنا بر این خود واقعیت، عالیترین شکل هنر و ادبیات کارگری نیست؟ و آیا چه تفاوتی بین

واقعیت و هنر وجود دارد؟ چرا به خود واقعیت نمی‌گوئیم هنر؟ ما از تعاشای طبیعت لذت می‌بریم و از تماشاای یک تابلو هم که مناظر طبیعت را نشان میدهد لذت می‌بریم این دو با هم چه فرقی دارد؟ ما در اینجا نمیتوانیم یک اثر هنری را بطور کامل بررسی کنیم و تفاوت آنرا با واقعیت نشان دهیم. اما شاید در یک عبارت کوتاه بتوانیم تاحدی این تفاوت را نشان دهیم. فرض کنید شما میخواهید درباره سروصدای داخل یک کارخانه صحبت کنید. شما

ممكن است بطور خیلی ساده بگوئید: "سروصدای بلند موتور شنیده میشود" این جمله بهمان ساده واقعیت است. شما همان چیزی را که احساس کرده‌اید به زبان آورده اید ولی این هنر نیست. این جمله خودش به تنهایی دارای ارزش هنری نیست مگر آنکه در یک اثر ادبی گذاشته شود و بعنوان جزئی کوچکی از آن اثر، ارزش هنری پیدا کند.

اما شما ممکن است بگوئید.

"زوزه خشم آلود و سمج موتور گوش را می‌آزارد." در این جمله هم باز همان واقعیت را بیان کرده‌اید اما چیزهای دیگری هم به واقعیت اضافه شده. این جمله خودش "به تنهایی هم ارزش هنری دارد". آیا چه تفاوتی بین این دو جمله هست و چه چیزهایی در این جابه واقعیت اضافه شده است؟

۱- در جمله دوم، در کنار واقعیت، تخیل هم دیده میشود. در اینجا سروصدای ماشین و موتور به زوزه یک جانور تشبیه شده است. و کسی هم که این جمله را بخواند یا بشنود، به رابطه بین آنها و شباهتی که به یکدیگر دارند فکر خواهد کرد.

۲- در جمله دوم، ما علاوه بر واقعیت حضور هنرمند را هم احساس میکنیم. یعنی مافقط با واقعیت برخورد نمی‌کنیم. بلکه واقعیت را به آن شکلی میبینیم و احساس میکنیم که هنرمند با آن برخورد کرده و بر تخیل او اثر گذاشته است. معمولاً در یک اثر هنری، ما با دنیای درونی هنرمند، تجربه‌های او، شخصیت او و طرز فکر او هم آشنا میشویم و خلاصه با یک انسان سروکار داریم نه با یک چیز بی جان. مثلاً در جمله دوم، برخلاف جمله اول، ما متوجه میشویم که عقیده شما درباره سروصدای کارخانه چیست و نسبت به آن چه احساسی دارید؟ در این جمله کاملاً معلوم میشود که شما از سروصدای کارخانه بدتان می‌آید و این صدا شمارا آزار میدهد.

همچنین معلوم میشود که شما یک کارگر هستید، چون یک کارفرما هیچوقت درباره صدای موتور اینطور صحبت نمیکند. ماهیت هنرمند هم معلوم میشود.

۳- جمله اول تأثیری روی ما نمیکند و زود فراموش میشود. اما جمله دوم میتواند روی ما تأثیر بگذارد و این تأثیر مدت بیشتری در ذهن ما باقی میماند.

۴- یکی از تفاوت‌های عمده این دو جمله در این است که جمله دوم فقط یک خبر و گزارش با بازگو کردن بی هدف و ساده واقعیت نیست. بلکه در آن پیامی هست و هدفی دیده میشود. هنرمند به ما میگوید که چه شناختی از محیط کارخانه دارد و با نشان دادن محیط خسته کننده و آزار دهنده کارخانه در واقع این فکر را در ذهن ما بوجود می‌آورد که باید این شرایط را تغییر داد. البته لازم است که در آینده درباره هدف هنر و ادبیات خیلی بیشتر صحبت کنیم.

رهبری را تو باید بگیری در دست

از: برشت

ترجمه: س. ی.

درستایش آموختن

جهدکن، ساده ترین

چیز را نیز بیاموز -

برای تو

که هم اکنون

در رسیده ست زمانت، هرگز

دیر نیست.

از الفبای هر چیزی آغاز بکن

این بسی ناچیز است

لیک دلسرد مشو یاد بگیر.

و بجنب

باید امروز بدانی تو هر آن چیز که هست

رهبری را میباید تو بگیری در دست.

ای که در تبعیدی، یاد بگیر

ای که در زندانی، یاد بگیر

ای که در مطبخی و خانه نشین یاد بگیر

یادگیری که فزون است تو را سال از صفت.

ای که بی خانه شدی، مدرسه‌ای پیدا کن

ای که می‌لرزی از سرما هان.

نقالت را کار بینداز

ای که مینالی از گرسنگی رو به کتاب آور اکنون

که کتاب

اسلحه ست

رهبری را میباید تو بگیری در دست.

هرگز از پرسیدن، دوست من، بهم مدار.

زود تسلیم شو، هر چیزی را میباید

خود جواب هر چیزی را پیدا کن.

ورندانی چیزی را خود،

پس چنان دان که نمیدانی.

هر حسابی جایی هست، خودت جمع بزنی

آنکه پول همه را خواهد پرداخت، توئی

بگذار انگشت خود را بر هر رقی

و بپرس

از کجا آمد این؟

پول چه چیز است؟

چرا اینقدر است؟

رهبری را میباید تو بگیری در دست.

آیا اینست سیم ما کارگران از انقلاب؟

سیم کارگر در انقلاب نوپه‌های زیادی میدهد. اما وقتی به مسائل داخلی کار و کارگران می‌پردازد و میخواهد مسائل ما را حل و فصل کند دست عوامل سابق رژیم را از پشت میبندد. درست مثل اینکه ما اصلاً حق حیات نداریم. و جزئی از ماشین چاپ هستیم. مثلاً برای ما تکلیف روشن میکند که چکار باید بکنیم و چکار نباید بکنیم. گفته است که کسی حق ندارد حرف بزند، هیچ کس حق ندارد و در مورد حقوقش اعتراض نکند. سرش را بپندازد پایین و فقط کار کند. اگر هم حقوق کم بود، ما خودمان درستش میکنیم. این آقا علاوه بر اینها رفته است در شعبه سرخه حصار و با یک حالت خشنی باز هم همین حرفها را زده. که البته در آنجا با اعتراض کارگران مواجه شده است. حتی بعضی از کارگران جلویش ایستاده اند و گفته اند شما دارید ما را بقیه در صفحه ۷

بعد از انقلاب انتظار همه مردم بخصوص کارگران این بود که تغییراتی در وضع زندگی و کارشان بوجود آید، ولی متأسفانه چنین نشد و روزی نیست که نامهای در این مورد نداشته باشیم و در دلی از رفیق کارگری نشویم. به چه دلیل کارگران که نقش عمده در مبارزات مردمان داشته‌اند باید هنوز درگیر کسب ابتدائی ترین حقوقشان باشند. آبارفتار مسئولین جدید با کارگران که نمونه کوچکی از آن در نامه زیر منعکس است، ما را به یاد سیاستهای ضد کارگری مدیران رژیم سابق نمی‌اندازد؟ بهمتن یکی از صدها نامه‌ای که در این زمینه به دست ما رسید ما مست توجه کنید:

من کارگر چاپخانه ۲۵ شهریور سابق هستم. این چاپخانه در حکومت جبار گذشته توسط سازمان شاهنشاهی اداره میشد. در آن موقع حق ما را می‌خورند و کسی هم جرات اعتراض نداشت. حالا هم انقلاب شده و چاپخانه بدست کمیته امام افتاده است. نماینده کمیته امام آمده که خیلی هم ادعایش میشود، و از خودش زیاد صحبت میکند که بلسه با فلان کس بودم، در فلان جا کار کرده‌ام و فلان کار را انجام داده‌ام و از این حرفها... الان هم رئیس انتشارات فرانکلین سابق و رئیس سازمان انتشارات انقلاب اسلامی فعلی است. شاعر هم هست. این آقا در ابتدای صحبت خیلی خوب حرف میزند، در مورد انقلاب و

از یاد داشت های یک رفیق کارگر
کار بلی، تفکر نه!
بعضی وقتها هم خود کارگرها برای مسخرگی و شوخی و خنداندن بقیه ما این متلکها به هم میگویند. آری بدرستی که آنان نمیدانند که با این زحمت و خستگی دیگر عشقی نمیماند. عاشق شدن مال آدمهای بیگوار است زیرا آنها بسیار سریع با هم ازدواج میکنند، تا زندگیشان راحت بگذرد و مردم پشت سرشان حرف نزنند. آنان نمیدانند، که فشار کار جان فرسا دست رازبر ما را له میکند و آنرا تا آنجی به زیر پرس میکشد و فلج میکند. آنقدر محیط خفقان آوار است که کسی جرئت ندارد حرف بزند. با هر کدام مواجه شوی به تو سفارش خواهد کرد که برای خوبی خودت به کسی درد دل نکنی، راز دلت را به کسی نگویی که کلاهت پس معرکه است. حرف در می‌آورد و پشت سرت هزار چیز قطار میکنند...
تفکر مصنوع، این حرفی است که با هر از طرف کارفرمایان تکرار میشود. ولی آیا واقعا میتوان در هنگام کار از فکر کردن در مورد گرفتاریها دردها، زجرها و همچنین دقایق بسیار کوتاه از خوشبختیهای بی رنگ و روری زندگی خلاص بود؟ میتوان کار کرد، اما تو نخی زندگی خود نبود؟ آه و اوصلا. آنان محیطی آنچنان نامناسب ساختند که هر کس فقط به فکر کار خودش باشد. در مورد خود فکر نکند، چه رسد به دیگران. به محض اینکه کند کار کنی داد سربست و سرگروه در می‌آید که آیا چته تنبل؟ چرا کار نمی‌کنی؟ مگه عاشقی؟ چرا سرت توی کار خودت نیست؟ چرا جرت میزنی؟ تکیه شب کاری داشتی؟ خوب، خسته نباشی، هزار رقم فحش خواهر و مادر سالت به

« چگونه هشت هلیکوپتر مردم سنندج را به گلوله بستند »

نقل از نشریه ای تا ۳ فوق العاده کار

آیا نویسندگان بیانیه های او ایسی و قره نی یکی نیستند؟

متن دو بیانیه ستاد کل ارتش اسلامی که در رابطه با وقایع خونین سنندج منتشر شد و از رادیو و تلویزیون نیز پخش گردید، مارا به یاد بیانیه های فرمانداریهای نظامی در زمان شاه سابق می اندازد.

"باند سرلشکر قره نی" در این بیانیه ها از مسلمانان ما فهمید و کلمات همکاران سابق خود (او ایسی و سپهبد رحیمی معدوم) استفاده کرده است. از آنجاکه سرلشکر قره نی همکارانش با استفاده از تاکتیک ارتش او ایسی (در وقایع هفده شهریور تهران) مردم سنندج را با هلیکوپتر به مسلسل بسته اند، هیچ بعید نیست که در زمینه های دیگر نیز از همان شیوه ها و تکنیکها استفاده کنند. بنابراین تعجب آور نیست اگر نویسندگان بیانیه های سرلشکر قره نی همان نویسندگان " دست به قلم رژیم سابق باشند که حالا در شغل خود ابقا شده اند.

قسمتی از متن بیانیه رئیس ستاد کل " ارتش اسلامی ایران " در زیر آمده است. در این چند جمله ده بار کلمات آشنای " فرصت طلب، ضد انقلابی، آشوب و تحریک " که تقریباً یک چهارم کل کلمات بیانیه را تشکیل میدهد آورده شده است. " مسلمانان غیور ایرانی کرد شهرستان سنندج، برابر اطلاع واصله تعدادی افراد فرصت طلب و ضد انقلابی دست به تحریک و آشوب زده و از رادیوی آن شهرستان به نام و از طرف فرمانده لشکر خود را نماینده امام خمینی و پشتیبان دولت مهندس بازرگان معرفی نمودند. آگاه باشید فصل ویرانگری انقلاب به پایان رسیده و زمان نوسازی آغاز شده و هر کس در هر نقطه از کشور اقدام به آشوب و تحریک نماید، ضد انقلابی بوده و با انقلاب اسلامی هیچگونه رابطه ای ندارد. با برادران غیور ارتشی خود همکاری نموده و فرصت آشوب به ضد انقلابی بودن ندهید. بدیهی است ضد انقلابیون شدیداً به کفر اعمال خود خواهند رسید.

رئیس ستاد کل ارتش اسلامی ایران - سرلشکر قره نی "

پیام وزیر کشور به سرلشکر قره نی: دستور دهید فوراً تیراندازی قطع شود در مقابل تعدادی مامور اجنبی تسلیم نخواهیم شد

پیام تلگرام وسیله بی سیم شیروخورشید سنندج از طرف احمد صدر حاج سید جواد وزیر کشور، از شهر سنندج به تیمسار قره نی رئیس ستاد ارتش ملی ایران.

"بروازجت هابرفراز سنندج، موجب عصبانیت مردم و قطع مذاکرات باشد. چه کسی دستور چنین مانورهایی داده است از طرف پادگان به سوی مردم تیراندازی میکنند و کشتار شدید میکنند. دستور دهید فوراً تیراندازی قطع شود و دیگر نه روز، نه شب تیراندازی نکنند. و شعله افکن شبهانیندازید."

پاسخ جناب آقای وزیر کشور
۱۳۵۸/۱/۴

"تا موقعیکه اینجانب از طرف رهبر انقلاب مسئولیت اداره ارتش را دارم، از انجام نظر جنابعالی و آزاد کردن افرادی که به داخل پادگان به منظور قتل و غارت هجوم بردند و تا زمانیکه متجاوزین گمراه شهر را به وضع آرام قبل برنگردانند، یعنی تا زمانیکه ایستگاه رادیو تلویزیون در دست افراد مجاهد از کرمانشاه و ساختمانهای ستاد لشکر و فرودگاه مجدداً به مسئولین معین شده واگذار نگردد و سرنگ صفری (فرمانده لشکر ۲۸ کردستان) خود را به ستاد نیرو در تهران معرفی ننماید با وجود تمام ارادتی که به شخص حضرت آیت اله طالقانی و جنابعالی دارم در مقابل خواست تعدادی مامور اجنبی تسلیم نخواهیم شد. رئیس ستاد کل ارتش اسلامی ایران - سرلشکر قره نی

در حالیکه بیمسارستانها و در مانگاههای سنندج گنجایش پذیرفتن مجروحین و قایع خونین این شهر را ندارد، ده هاتسن از تیر خورندگان دیروز (پنجشنبه دوم فروردین) به تهران منتقل شدند و در چند بیمارستان بستری گردیدند.

ما با چند تن از تیر خورندگان که ناجوانمردانه بسوسله نیروهای ارتش ملی " گلوله باران شده اند گفتگو کردیم:

بیراخاص شفیعی، ۳۲ ساله، کارگر باشگاه، دران غسرب سنندج که قسمتی از تک و صورت او منلاشی شده چنین نوشت (وی قادر به نگنم نیست):

ماروی پشت بام خانه بودیم که مورد اصابت گلوله قرار گرفتیم. هشت هلیکوپتر از بالا مردم را به رگبار مسلسل بستند. برادرم بنام " انور شفیعی " که دانشجوی سال چهارم رشته خاک شناسی دانشگاه آذربایجان بود برای دیدن خانواده شب قبل (شب عید) به سنندج آمده بود کشته شد. چند تیر به په سر خاله ام " ناصر نامداری " اصابت کرد که او هم چند ساعت بعد شهید شد.

بیراخاص شفیعی که به شدت متأثر بود علت این فاجعه را اعمال ضد انقلابی که میتهامام به رهبری صفدری و شاطر محمد و دخالت نیروهای ارتشی ذکر کرد.

فتح اله احمدی، دانش آموز سال سوم نظری، ۱۸ ساله که تیر به گلویش خورده است گفت:

بعد از اینکه سال تحویل شد (حدود ساعت ۱۰ صبح) ماصدای تیراندازی شنیدیم. من بلافاصله به پشت بام رفتم ولی ناگهان هلیکوپترها شروع به تیراندازی کردند. هلیکوپترها بیرحمانه شلیک می کردند و در همان نخستین ساعت های اول فروردین تعداد زیادی از مردم که بیشتر روی پشت بام ها بودند کشته و با مجروح شدند.

فتح اله احمدی با ناباوری می گفت: مردم هنوز نمی دانند که چرا ارتشی ها آشوب را به مسلسل بستند. مگر ما چه می گفتیم؟ چرا باید مردم بی گناه را قتل عام کنند؟ مگر گفتند که این ارتش انقلابی است...؟

وی در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود ادامه داد:

" صفدری " سر کرده را کلاه گذاشت، او مردم را تحریک میکرد و بین آنها اختلاف می انداخت. مردم مفتی زاده را هم دیگر قبول ندارند چون او میگوید حرف، حرف خودم است.

لطف اله مرادی، کارگر، شش تیر به سر و صورت و شکمش خورده و حالش وحیم است. برادری گفت: خانه ما رو بروی پادگان قرار دارد. شب عید از داخل پادگان تیراندازی شد. تعدادی از خانه های اطراف گلوله باران شد و برادرم که در یکی از آنها بود زیر گبار گلوله قرار گرفت. وی افزود، نیروهای ارتشی با خنجره تعدادی از خانه ها را ویران کرده اند. هشت هلیکوپتر نیز مردم را از بالا هدف گزله قرار می دادند.

عبداله کیانیپور، کارگر ساختمانی، که صبح دوشنبه هدف گزاه مزدوران قرار گرفته گفت:

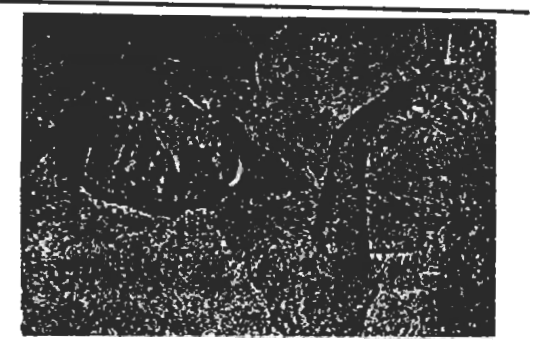


گبار محمدی ۴۴ ساله هنگامیکه در حیاط خانه بود مورد اصابت گلوله هلی کوپتر قرار گرفت

از مدتی پیش موج ناراضی در میان مردم گردیده بود که علت آن بدرفتاری که میتهامام و نیروهای ارتش بود. مردم با کمیته مخالف بودند و میخواستند نمایندگان را خودشان انتخاب کنند. مردم زاندار مروری را گرفتند اما ارتشی ها آنها را به رگبار گلوله بستند و صد هاترا کشتند و مجروح کردند.

خالد زندی، نقاش ساختمان، که تیر به کمرش خورده گفت: من هیچ اطلاعی از این وقایع ندارم. من شب عید میخواستم به خانه بروم که چند تیر به طرفم شلیک شد.

حسین دارابی، سرباز، که اخیراً از تهران به سنندج رفته بود و تیر به ریه اش خورده است گفت:



بیراخاص شفیعی کارگر بوسیله خمپاره قسمتی از تک و صورتش منلاشی شد. برادری ش انور شفیعی دانشجوی سال چهارم خاک شناسی و پسر عمه اش - ناصر نامداری که همراه او بودند، شهید شدند.

یکی از درجه داران که حاضر شد نام خود را بگوید گفت: روز یکشنبه فرماندهان پادگان به قسمت های مختلف آمدند و گفتند از هر قسمت ۱۵ سرباز و درجه دار را بطلب شود که با نیروهای ضد ملی بجنگد. ما به تصور اینکه این نیروها واقفا " ضد ملی هستند با آنها تیر اندازی کردیم. حالا متوجه شده ایم که این " نیروهای " که فرماندهان آنها را ضد ملی قلمداد کرده بودند مردم سلحشور کردستان بوده اند.

خانم کبری محمدی هم که تیر به صورتش خورده است تا کید کرد که: " هلیکوپترها مردم را کلوله باران کردند. وی گفت من در حیاط منزل مشغول جارو کردن بودم که مورد اصابت گلوله قرار گرفتم. مسیر تیرهایی که بصورت این خانم خانه دار خورده از بالا است.

در میان مجروحان چند درجه دار ارتشی هم بودند که حاضر به گفتگو نشدند. در گفتگو با مجروحان آنچه بیش از همه به چشم می خورد حالت بهت و ناباوری بود. آنها نمی توانستند باور کنند که پس از آن همه کشتار و خونریزی که بوسیله عمال رژیم گذشته صورت گرفت هنوز هم در معرض حملات ناجوانمردانه نیروهای ارتشی هستند، مجروحان کرد که خشم و نفرت از مزدوران رژیم سابق (که امروز در لباس انقلابی دست به کشتار می زنند) در چهره شان نمایان بود از ما می پرسیدند آیا در تهران و شهرهای دیگر هم جنگ شروع شده است؟

خواست های عمومی و اساسی ملت کرد

۱- در قسانون اساسی باید گنجانده شود که ایران یک کشور کنفدرال است و ملت کرد نیز همانند دیگر ملتها باید از حقوق کامل و انکارناپذیر تعیین برنوشته خویش برخوردار باشد و این بمعنای استقرار حاکمیت سیاسی و اقتصادی خلقها بر میپسین و شوزمین تاریخی خودشان می باشد تا بدین ترتیب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران بشکل واقعی آزاد و داوطلبانه حفظ و تامین گردد.

۲- هشت مانده نقدی نمایندگان مردم کرد به هیات تحت ریاست آقای داریوش فروردی در شهر مهاباد باید سریعاً و دقیقاً از طرف دولت بنحومشبت جواب داده شود و هر نوع تاخیری در قبول این درخواستها بر بهرمان منطقه میافزاید و عواقب خطرناک ناشی از آن بر عهده دولت مرکزی است.

۳- حل مسئله کرد تنها در رابطه با حل مسائل اساسی ملت ایران در تمام آزادیهای فردی و اجتماعی و تکامل مبارزه، دمکراتیک و ضد امپریالیستی تمام خلقها امکان پذیر خواهد بود و این دو جریان بنحوقتیق وجهایی ناپذیر بیکدیگر وابسته اند. شورای موقت انقلاب در سنندج

بیش از فرزند دوم

اساس جمهوری اسلامی را تشریح کنید

میکرفت .
۴- تامین برق و بهداشت
رایگان برای روستائیان ، ساختن راهها و ایجاد صندوق پست .
۵- دادن سند مالکیت زمین به روستائیان ، دادن کود شیمیایی و سموم دفع آفات به کشاورزان .
۶- کشاورزان خواهان آنند که کلیه ۲۸۰۰ هکتار زمینی که شرکت "چوکا" غصب کرده جهت کشاورزی به کشاورزان و خوش نشینان واگذار شود .
۷- رسیدگی هرچه زودتر به مسئله آب جهت کشاورزی از طریق حفر کانالها و لایروبی رودخانه ها .
۸- در اختیار قرار دادن ماشین آلات کشاورزی برای بالا بردن سطح تولید و کم کردن کار طاقت فرسای کشاورزان .
۹- ایجاد فروشگاه تعاونی و ارائه ما به محتاج کشاورزان به قیمت ارزان
۱۰- تهیه کارخانه و مسکن برای کشاورزانیکه کار فصلی دارند .
۵۸/۱/۳

کشاورزان و دامداران روستاهای جوهر لیفکر خندان ، کاظم آباد ، مبارک آباد ، بیجارسر ، لاک ، داکله سر ، اسلام آباد و دیگر روستاهای شفت که مجموعاً چندین هزار خانوار میباشند در ۳ فروردین اجتماعی تشکیل داده و خواستههای خود را به شرح زیر مطرح کردند .
۱- ازدولت آقای بازرگان میخواهیم قبل از فرزند دوم . قانون اساسی جمهوری اسلامی را برای ما کشاورزان و کارگران و دامداران تشریح کند . ما اعتقاد داریم که فقط با مطلع شدن از محتوی جمهوری اسلامی است که میتوانیم بدان آگاهانه رای دهیم .
۲- دادن وامهای طویل المدت و بی بهره ، نفو کلیه بدهی های کشاورزان به بانک تعاونی و کشاورزی ، بازپس گرفتن تمام مبلغ سهام ما کشاورزان از شرکت تعاونی .
۳- لغو بهره مالکانه و حق آب استرداد ۱۲٪ سودی که به ما کشاورزان و دامداران و کارگران تعلق



یک کشاورز

چند جور بدبختی باید داشته باشد

است و آنوقت هشت هزار نفر کشاورز مجبور هستند زمینها را از آنها کرایه کنند . آب هم که میگویند ملی شده ، فقط برای سرمایه دارها ملی شده . ما کشاورزها مجبوریم هر خانواده ، هر چند نفر که هستیم از زمین و مرد و بچه روی زمین کار کنیم . اگر در بهار بد مزرعه های مانگا کنیدی بیندزنها بچه های چهل روزه شان را توی جوی آب و زیر آفتاب گذاشته اند و دارند کار میکنند . من کشاورز وقتی میبینم زمین مال خداست و همه باید از آن استفاده کنند می برسم چطور شده - سرمایه دار اینهمه زمین دارد و من یکمتر زمین ندارم ؟

من یک کشاورز آذربایجانی هستم که در نزدیکی تبریز پیماز میکارم . من هیچ کار دیگری غیر از کشاورزی ندارم و چون خودم یک متر هم زمین ندارم مجبورم زمین را از سرمایه دارها اجاره کنم . اما این زمین را چطور به من اجاره میدهند؟ قبلاً ما برای اجاره این زمینها قراردادهای سه ساله و چهار ساله می بستیم ولی حالا چون میگویند هر کشاورز زمینی را که سال بکار زمین مال خودش میشود ، سرمایه دارها برای اینکه زمین خودشان را از دست ندهند قرارداد را فقط برای یکسال می بندند . که از اول فروردین شروع میشود و در پاییز هم باید زمین را تحویل بدهیم . درست است که ما این زمین را سه سال پست سر هم می کاریم ولی در قرارداد داد یکسال ذکر میشود که بعداً ما دیگر نتوانیم ادعا کنیم که سه چهار سال است اینجا میکاریم .

اما در من فقط نداشتن زمین نیست . من که کشاورز هستم آب هم ندارم . آب را ساعتی ۱۵ تومان از همان سرمایه دار میخرم . من تراکتور هم ندارم و با تراکتور راهم از او باید بگیرم و چون ماشین ندارم که شن بیاورد و باز سرمایه دار این ها را دارد ، مجبورم همه اینها را کرایه کنم . در قرارداد هم ذکر میشود در مورد پیا ز یک چهارم محصول واگر گندم باشد یک سوم محصول را باید به سرمایه دار بدهم . واگر درست حساب کنیم می بینیم که نصف محصول را سرمایه دار میرید . باید دانست که تمام زمین های منطقه ما دست ۱۵ نفر سرمایه دار

تازه وقتی که ما با هزار مکافات سهم خودمان را بده می آوریم در - آنجا بقیه سرمایه دارها هر کدام یک بنگاه معاملاتی باز کرده اند که ما مجبور هستیم محصول را در آن بنگاه ها بفروشیم . موقع بهار هم چون پول نداریم که کود بخریم و به پول موتور آب بدهیم ، و یا به تراکتور پول بدهیم مجبور میشویم پیا ز را پیش - فروش یا به اصطلاح " سلف فروش " کنیم . واگر چه میدانیم موقع پیا ز قیمت پیا ز یک تومن خواهد شد ، ولی مجبوریم در بهار آنرا به نصف قیمت پیش فروش کنیم تا هم پول بول تراکتور را بدهیم و هم ما اینجا زندگی خودمان را تامین کنیم . حالا ممکن است بپرسید ما این همه مشقت و بدبختی اصلاً چطور زندگی میکنیم؟ باید بگوئیم ما این طوری در فقر و فلاکت زندگی میکنیم ، در - مقابل عده دیگری از دسترنج ما خیلی خوب زندگی میکنند .

بدست می آید که با هوشیاری کامل از انقلاب پاسداری کنیم و بندهای چهل و فقر و بندگی و آپاره سازیم . زیرا استبداد فرزند جهل و کورسنگی و استثمار است . عید حقیقی ما روزیست که زحمتکشان در بند فقر نباشند .
ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق در گیلان پیامی منتشر کرد و ضمن تقدیم بهترین تبریکها و درود های خود به خلق ایران چنین اظهار داشت :
" خلق قهرمان ایران ، با قدرت شکوهمند دستهای خویش و با عشق به فردای بهتر و انسانی تر دزهای استبداد و ارتجاع را فروریخت با اینهمه پیروزی کامل تنها هنگامی

عیدی حقیقی ما روزیست که زحمتکشان در بند فقر و استثمار نباشند .
ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق در گیلان پیامی منتشر کرد و ضمن تقدیم بهترین تبریکها و درود های خود به خلق ایران چنین اظهار داشت :
" خلق قهرمان ایران ، با قدرت شکوهمند دستهای خویش و با عشق به فردای بهتر و انسانی تر دزهای استبداد و ارتجاع را فروریخت با اینهمه پیروزی کامل تنها هنگامی

صیادان: نفو کلیه قراردادهای تحمیلی

۳- تامین بیمه درمانی و داروئی .
ولی نمایندگان صیادان با بی تفاوتی مسئولان و جواب رد به خواستههایشان مواجه شدند . صیادان در حالیکه خشمگین به نظر میرسیدند ، مسئولان شیلات را در اطراف محاصره نموده اجازه خروج به آنان ندادند و اعلام داشتند تا زمانی که صریحاً به خواسته های آنها جواب داده نشود ، همچنان مسئولان را گروگان خواهند داشت . در این وقت مسئولان شیلات ، با فراخواندن مجدد نمایندگان ، از آنها یک ماه مهلت خواستند که صیادان پس از شور جمعی این درخواست را پذیرفتند . در پایان دستورالعملی باین نکات از طرف مدیرعامل صادر شد :
۱- یکماه فرصت به منظور بررسی خواستههایشان .
۲- پرداخت مبلغ ۷۵۰ تومان به سر صیادان و ۵۰۰ تومان به دیگر صیادان .

در بی اجتماعی که روز شنبه ۱۲ اسفند ۵۷ صیادان ناحیه ۳ شمال در شیلات بابل سر به منظور بی گیری خواسته های چندین ساله خود ترتیب دادند و قرار بر این شد که صیادان ۱۳- صید گاه (چالوس ، خیرود ، حسن آباد ، ایزده ، توسکانوک ، نویسی ، سرخورد ، فریدونکنار ، بابلسر ، میروند ، چپرود ، لاریم) روز دوشنبه ۲۸ اسفند ۵۸ مجدداً در شیلات بابل سر جمع شده و در صورت عدم تحقق خواستههای برحق خود اینبار دست از کار بکشند . صیادان در روز مقرر اجتماع کرده و خواستههای خود را به سر وزیر بامدیور عامل و عضو دیگر هیئت مدیره در میان نهادند ،
۱- لغو کلیه قراردادهای تحمیلی قبلی .
۲- استخدام رسمی در ادار ه شیلات و برخورداری از مزایای متعلق به آن

خواستار تشکیل شوراهای دهقانی شدند

۲- لغو باقیمانده قروض با خرید زمین .
۳- بازگرداندن زمینهای غصب شده کشاورزان و تقسیم زمینهای باسر بین افراد بی زمین و کم زمین .
۴- تضمین خرید محصولات کشاورزی و جبران ضررهای ناشی از پائین بودن قیمتها .
۵- حمایت از صنعت ابریشم .
۶- ریشه کن کردن کرم ناقه خوار برنج و تقویت هرچه بیشتر برنج - کاران از طریق حمایت برنج داخلی و جلوگیری از ورود برنج خارجی .

لا محاله - کشاورزان روستای خشتال طی یک گردهمایی ضمن اشاره به اینکه دهقانان زحمتکش ترین افراد جامعه میباشند و به علت فقر شدید مالی به ناچار به عنوان کارگر ساده مزد بگیر نیز با بیدار کنند ، به نقش بانک کشاورزی و تعاونی در فقر و فلاکت دهقانان نیز اشاره کردند و طی قطعنامه ای خواستههای زیر را جماعتاً تأیید کردند :
- لغو کلیه بدهکاریهای کشاورزان به بانک ها .
۱- سپردن کار روستا به روستائیان از طریق شوراهای دهقانی .

خواستههای روستائیان

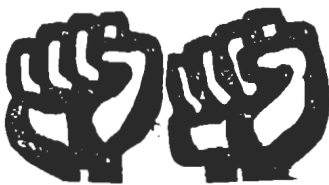
کهریز -

رضائیه - روستائیان کهریز طی گردهمایی روز جمعه ۲۵ اسفند قطعنامه ای صادر کردند . در این قطعنامه ضمن اشاره به سبوهائی که رژیم پهلوی در استعمار دهقانان بکار میبرد و فشارهای اجتماعی و اقتصادی رژیم قبلی خواستههای خود را چنین بیان کردند .

- ۱- انجام اصلاحات ارضی به نحوی دمکراتیک .
- ۲- بازگرفتن زمینهای غصب شده مردم از طرف موسسات کشاورزی و اربابان کل .
- ۳- دادن وامهای طویل المدت برای احیای دامداری و کشاورزی بدون بهره .
- ۴- واگذاری زمینهای اداره کشاورزی که بنام اوقاف غصب کرده به روستائیان .
- ۵- واگذاری شرکت تعاونی و تولید روستائی به خود مردم .
- ۶- ایجاد درمانگاه و مدرسه راهنمائی و حمام در این روستا .
- ۷- تأسیس و ایجاد لوله کشی آب و تأمین بری روستا و آسفالت کردن جاده ها .

باغبانان = فومن

کشاورزان روستای باغبانان یکی از توابع شهرستان فومن با ناکید بر تائیدی که انقلاب می بایست بر زندگی دهقانان و کارگران داشته باشد نامهای به دولت بازگان خواسته های خود را در ۱۳ مورد اعلام نمودند که مهمترین آنها به قرار زیر است .
۱- پرداخت وام بدون بهره با اقساط طویل المدت به کشاورزان . مخصوصاً در این موقعیت زمانی که فصل کشت است .
۲- نفو کلیه بدهیهای کشاورزان به شرکت تعاونی .
۳- دادن کود شیمیائی به کشاورزان و فرستادن گروههای سیار جهت مبارزه با کرم ساقه خوار برنج و سایر آفات زراعی .
۴- واگذاری زمینهای بایر به افراد مستمند و حمایت از آنها جهت بهره برداری از زمین .
۵- لغو باقیمانده قروض با خرید زمین از مالکان و بانکها .
۶- لغو پرداخت آب بها و جریمه جنگلبانی واحداث چاه جهت مشروب ساختن مزارع بالای کانال .



کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی باید لغو شود

گزارشی از مبارزات موفقیت آمیز کارگران

در این زمینه با وزارت کار صورت گرفت اجتماع دیگری در روز ۲۴ اسفند ۵۷ تشکیل شد یکی از کارگران چریک مبارزات را بازگو کرده، برخورد غیر مسئولانه مسئولین دولتی را در مورد وام بیکاری توضیح داد. بدنبال آن در جلسه ۲۶ اسفند ۵۷ تئوراتی که در نتیجه مذاکرات در طرح وام داد ه شده بود مطرح گردید اما مورد قبول کارگران قرار نگرفت، چراکه محدودیت های اصلی آن بر طرف نشده بود. در اینجا کارگران همگی به این نتیجه رسیده بودند که از طریق مذاکره مشکلات حل نمیشود. بنابراین تصمیم گرفتند که در وزارت کار متحصن شوند. در روز یکشنبه ۲۷ اسفند ماه ساعت ۹ صبح عده ای از کارگران بیکار به وزارت کار رجوع میکنند. این عمل ابتدا با مقاومت مسئولان وزارت روبرو میشود. اما این بار کارگران برانسر پافشاری موفق شدند که به سالن اجتماعات وزارت کار راه یافته و در آنجا متحصن شوند. در آغاز نماینده وزارت کار در مورد شرایط نامساعد دولت و ورشکستگی اقتصادی مملکت صحبت کرد و از کارگران خواست تا انجام فرایند و تشکیل مجلس موسان صبر کنند. سپس یک روحانی که خود را نماینده کتبه نام معرفی میکرد حل مشکلات کارگران را موقوف به بعد از ایجاد جمهوری عدل اسلامی نمود. کارگران که از سخنران مزبور، راه حلی اساسی نیافته بودند شروع به اعتراض نمودند.

تا اینکه به دنبال بی نتیجه بودن مذاکرات آنروز کارگران مجبور شدند که در سالن فوق دست به اعتصاب غذا بزنند. در طول چهار روز اعتصاب عناصر ضد کارگری و مرتجع در لباسهای مختلف کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند اما اتحاد یکپارچه کارگران توانست وزارت کار را مجبور به قبول طرح پیشنهادی کارگران نماید. این طرح شامل سه ماده بشرح زیر میباشد:

الف - ماده اول در مورد صندوق وام بیکاری

۱- افرادی که کمتر از ۲۱ سال دارند بشرط آنکه در گذشته مدت ۶ ماه بکار اشتغال داشته و اینک بیکار شده باشند با گواهی و تأیید دو نفر از معتمدین محل حق استفاده از وام صندوق را خواهند داشت.

۲- به خانواده افراد وام گیرنده از صندوق بیکاری میتوان مبلغی بیش از حد پیش بینی شده وام داد.

۳- ماده دو در مورد افراد تحت تکفل وام گیرندگان مجرد هم صدق میکند.

۴- به افراد بیش از ۶ سال در صورت استفاده نکردن از حقوق باز نشستگی و مورد اعتماد بودن میتوان وام داد.

۵- بازه مابین تفاوت میزان وام کارگری تا درآمد همسر کارگر بشرط کمتر بودن آن از میزان وام، میتواند بکارگر بیکار وام داد.

۶- اگر کارگر بیکار حق بیمه داده باشد و صاحب دفترچه باشد

به تأیید سازمان تا مین اجتماعی - احتیاجی نیست.

۷- چنانچه متقاضی وام بیمه نشده باشد، بر اساس تحقیقات محلی یا گواهی مسئولان صنف (آخرین اشتغال کارگر) میتوان باین گونه افراد وام داد.

۸- در صورتیکه کارگری از تاریخ تصویب این تصویب نامه تحت شرایط غیر ضروری ترک شغل کند حق استفاده از وام صندوق وام کارگری را ندارد.

۹- در مورد کارگران ساختمانی که بدون هیچ ضابطه اشتغالی بکار داشته اند میتوان با احراز اشتغال آنان به کار نیز وام کارگری پرداخت نمود. برای احراز اشتغال این عده بکار میتوان از فهرست اساسی کارگران شاغل در کارگاههای پیمان کاران سازمان برنامه یا شرکت های ساختمانی یا گواهی و تأیید معتمدان محل یا هر منبع و مرجع قابل استناد وزارت کار استفاده کرد.

۱۰- باز پرداخت وام کارگری بمدت ۶ ماه پس از اشتغال بکار شروع میگردد.

۱۱- میزان مبلغ وام برای افراد به ترتیب زیر پیشنهاد میشود:

برای مجردی ۹۰۰ تومان
شوهر با همسر ۱۲۰۰ تومان
برای هر چه ۹۰۰ تومان

۱۲- وام کارگری که در این تصویب نامه آمده جهت پرداخت

به کارگران بیکاری میباشد که با شرایط فوق مطابقت داشته باشند.

۱۳- پیشنهادات فوق جهت تصویب هیئت وزیران به وزارت کار ارائه میگردد، وزیر کار موظف است از موارد فوق در هیئت وزیران دفاع نماید.

ب - ماده دوم - در مورد وام فوری

تأسیسات اجراء طرح، مبلغ هزار تومان بعنوان وام در اختیار کارگران اعتصابی متحصن قرار میگردد. این وام با حضور نماینده کارگران در محل وزارت کار، پرداخت میگردد.

ج - ماده سوم، در مورد سالن اجتماعات

توافق شد که ساختمان خانه کارگران، جهت طرح کارگری در اختیار آنها قرار داده شود، همچنین وزیر کار وعده داد که از سالن سینماهای کرایهای در صورت لزوم بتوان استفاده کرد.

در پایان کارگران همبستگی خود را با مبارزات کلیه کارگران و زحمتکشان اعلام کردند و از تمامی برادران رنجبر دانشجویان و دیگر نیروهاییکه به آنها یاری رسانیده اند تشکر کردند. کارگران که به خواهشهای فوری خود رسیده بودند تصمیم گرفتند که به اعتصاب و تحمّن خود پایان دهند. شادی در چهره های کارگران موج میزد، چراکه آنها نه فقط درد ورنج و گرسنگی و توهین و کتک و... را برای خود تحمل کرده بودند، بلکه برای تمامی کارگران بیکار شده ایران مبارزه

کرده بودند و همین پیوند بود که آنها را به پیروزی رسانید. هنگامیکه کارگران از وزارت کار خارج میشدند با استقبال گرم عده ای از مردم روبرو شدند که فریاد میزدند: "کارگر، کارگر، کارگر" زنده به کار توشیم.

بعضی از کارگران مشت های خود را در هوا گره کردند و عده ای دیگر از آنها با علامت پیروزی به مردم جواب میدادند و در حالیکه لبخند بر چهره داشتند به زندگی و آینده خود می اندیشیدند. مابین پیروزی را که در اثر اتحاد، تشکر و پیگیری کارگران به دست آمده، به همه کارگران بیکار شده تبریک گفته و آنرا موفقیتی برای جنبش کارگری وطنمان میدانیم.

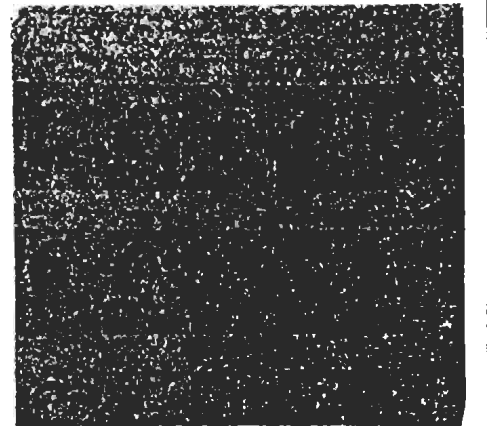
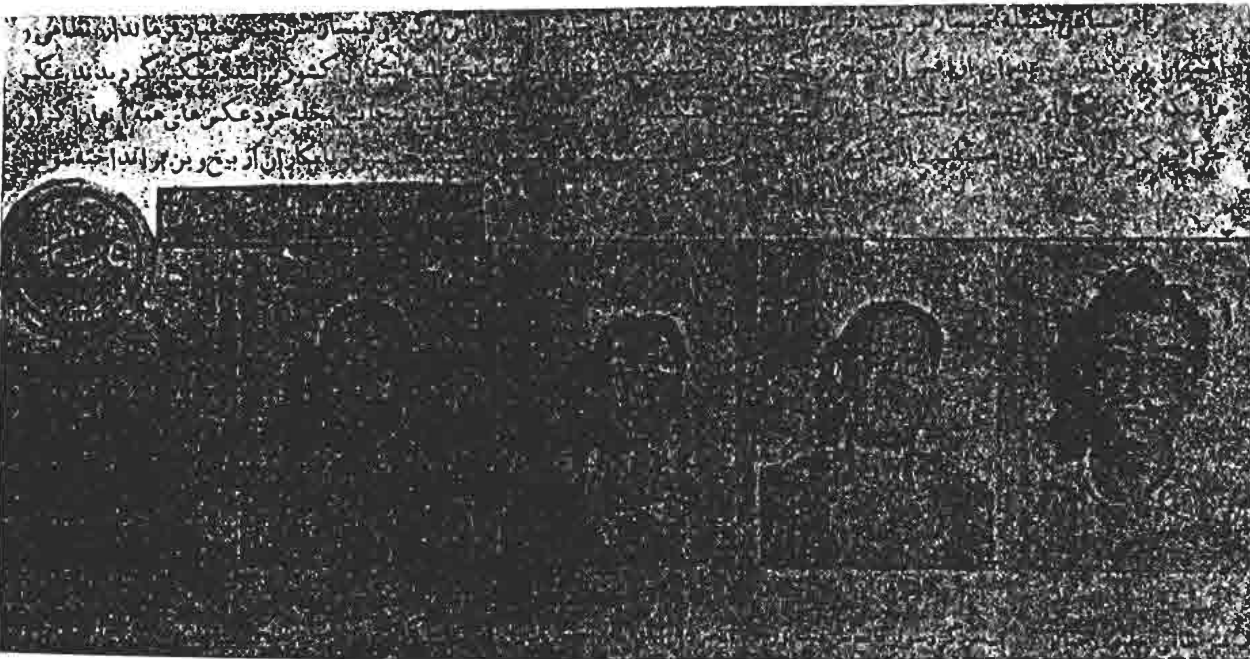
آیا اینست سهیم ما...

تهدید میکنید. اما این آقا تهدید کرده که هر کس غیر از این رفتار کند بیرونش میکنیم: اگر کسی به آن چیزی که ما میگوئیم اعتراض دارد، میتواند بیرون بیرون. دیگر اخراج است. یعنی خیلی محترمانه گفته است که اخراج میکنیم. بعد اعلامیه داده است که هر کس تا سیزده عید هر کاری دارد باید بکند چون در غیر این صورت مرخصی داده نمیشود و تأکید شده آنها که عروسی دارند تا سیزده و آنهاکه به شهرستان میروند تا ۱۱ باید کارشان را تمام کنند. فقط مانده است که بگویند آنها هم که میخواهند بمیرند تا سیزده مرده باشند. آیا این است سهم ما کارگران از انقلاب؟

قره نی باید محاکمه شود

این مقاله پیش از برکناری قره نی تهیه شده است.

به اتهام توطئه در ۲۸ مرداد و کشتار اخیر مردم



اکنون که سرلشکر قره نی از ریاست ساد ارتش کنار گذاشته شده، باید حساب اعمال ننگین خود بویژه کشتار اخیر خلق کرد را بر مردم پس بدهد. قرنی و همه مزدورانی که با سو استفاده از شرایط موجود قصد خیانت به مردم و تحکیم سلطه امپریالیسم را دارند باید هر چه و زودتر در پیشگاه خلق ایران محاکمه شوند.

بررسی گذشته ننگین سرلشکر قره نی و نقش او در کودتای ۲۸ مرداد نمایانگر فعالیتهای ضد خلقی و وابستگی او به امپریالیسم آمریکا است.

"در مورد فعالیتهایم باید بگویم که من از سال ۳۳ تا ۳۷ رئیس رکن دوم بودم."

لیلی! او فقط چهار سال در پست ریاست رکن دوم ارتش "ناهنشاهی" بوده است. اما این چهار سال مقارن با ایامی است که شناسایی و اعدام مردم مبارز ما و همه مخالفان کودتای ننگین ۲۸ مرداد صورت گرفته است. خلق ایران که برای این اعدامها

ترانهها سروده است هرگز خاطره شهدای آن دوران را فراموش نخواهد کرد. همچنانکه نقش عاملین این فجایع را نیز از یاد نخواهد برد.

اسم سیمور بختیار و نصیری و دیگر همکاران سابق سرلشکر قره نی هرگز از اسناد جنایات تاریخ ایران محو نخواهد شد.

حوادث اخیر کردستان نیز که موجب سهه شهادت رسیدن بیش از صد تن وزخمی شدن صدها تن از هم میهنان ما شد به دستور مستقیم شخص سرلشکر قره نی صورت گرفت. در این حوادث ارتش

از زمین و هوا به مردم حمله کرد. مزدورانی که زیر فرماندهی قره نی عمل کردند حتی به کودکان یک ساله و زنان حامله نیز رحم نکردند. حوادث اخیر کردستان یکبار دیگر چهره ضد خلقی سرلشکر قره نی را به هم میهنان ما نشان داد.

نمونه ای از اسنادی است که فعالیتهای ضد انقلابی رکن دو و "ساعی جمیله" سرلشکر قره نی و همکارانش را نشان میدهد.

با مشاهده این سند بلافاصله این سؤال مطرح میشود که آیا نام سرلشکر قره نی بجای اینکه در زمره

رهبران ارتش ملی اسلامی قرار گیرد، آیا نمایانست در لیست اسامی خسرو دادها، نصیریها، خواجه نوربها و دیگر عناصر مزدور و خائن به ملت قرار گیرد؟ و بجرم اعمال گذشته اش در یک دادگاه خلقی بمحاکمه کشیده شود؟

یک بار دیگر هشدار میدهم که دولت گماشتن فرماندهان ارتش سابق زمینه های دسیسه بازی و توطئه امپریالیسم و نیروهای ارتجائی را فراهم کرده و عملاً انقلاب را با خطر شکست روبرو میکنند.

بدنبال کشتار مردم سنندج

عناصر ضد انقلابی تظاهرات آرام
مردم ترکمن را به خون کشیدند

گزارش زیر که برای اطلاع هم میهنان عزیز ومقامات مسئول منتشر میشود خلاصه گزارشهایی است که از ظهر روز دوشنبه ششم فروردین ماه تا ساعت یک بعدازظهر روز سه شنبه هفتم فروردین ماه از کتبد ترکمن (کتبد کاووس سابق) دریافت کرده ایم. خبرهای مندرج در این گزارش از منابع جداگانه بدست آمده است. روز یکشنبه ۵ فروردین ماه یکی از مامورین کمیته امام شهر کتبدیک روستائی ترکمن را که سیگار میفروخت بازداشت میکند و میخواهد او را به اتهام قاچاق به کمیته ببرد. چند نفر رهگذر به عمل او اعتراض میکنند. مامور کمیته سلاح میکشد و سیگار فروش فراری میشود. بدنبال این وقایع در کشمکشهای بعدی که بین مردم و ماموران کمیته پیش می آید یک نفر از اهالی شهر، یک محصل ۲۲ ساله بنام آراز دردی پور با گلوله ماموران کمیته شهید میشود و یک نفر دیگر مجروح میشود. جسد را به شیروخورشید میبرند. از طرف روحانیون شهر و مردم برای گسرفتن جسد به شیروخورشید مراجعه میشود ولی کمیته جسد را تحویل نمیدهد مبادا تظاهرات وزدو خورد پیش آید. ولی صبح روز دوشنبه ۶ فروردین جمعیتی حدود ۷-۸ هزار نفر به طرف شیروخورشید میروند و جسد را به زور تحویل گرفته و با تشییع و راهپیمائی ساکت و بدون شعار مراسم را برگزار میکنند. جسد به بند ترکمن حمل میشود. شهادت این محصل شهر را به شدت بر علیه مسلمانان آن به خشم آورده. مردم مجازات مسببان قتل نوجوان را خواستار میشوند.

بنابه دعوت قبلی کانون مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که از چند روز پیش اعلام شده بود حدود ۱۵۰ هزار نفر از مردم شهر در یک میتینگ آرام بمنظور اعلام نظر نسبت به رفتارندم و اعتراض به کشتار مردم سنندج در باغ ملی شهر اجتماع میکنند. به همین ترتیب کنندگان توصیه شده بود از آنجا که میتینگ مسالمت آمیز است بدون سلاح در آن شرکت کنند و پیرو این توصیه هیچکس سلاح همراه نداشتند. میتینگ در شرایطی برگزار میشود که نیروهای تازه وارد ارتش تمام راههای ورودی شهر را بسته بودند و کسی را بدون اجازه بشهر راه نمیدادند. سخنرانیها در ساعت ۲ بعدازظهر شروع میشود. پیام کانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن و پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خوانده میشود. بعد از آن طبق برنامه اعلام شده قرار بود پیامهای نمایندگان روستاهای مختلف ترکمن صحرا قرائت شود. چند کامیونریوی ارتشی که تعداد زیادی نظامی و غیر نظامی را حمل میکرد افراد مسلح را در اطراف میدان باغ ملی پیاده میکند. افراد مسلح که اکثرشان بازوبند " پاسداران انقلاب " و نقاب بر چهره داشتند در باغ خانه های مردم سنگر

گرفته و به تدریج از خیابانهای اطراف جمعیت را محاصره کرده شروع به تیراندازی هوائی میکنند. موتور سیکلت های مردم که از اطراف آمده بودند با شلیکهای پیاپی منهدم میشوند. جمعیت به هیجان آمده در یک نقطه تجمع میکنند. همه هم و هورا شدت بالا میگردد. تیراندازان بسوی مردم شلیک میکنند. شاهد عینی گزارش داد دونفر جلوی چشمش کشته شدند (در تماس مستقیم با بیمارستان تا ساعت یک بعدازظهر سه شنبه ۷ فروردین ماه ۲۶ نفر کشته و ۷۷ نفر زخمی گزارش داده اند). مردم شدیداً خشمگین باشعارهائی برضد جنایتکاران که همچون دژخیمان رژیم سابق تظاهرات آرام را به گلوله می بندند، متفرق میشوند. افراد مسلح ارتشی و کمیته ای ابتدا به کتابخانه کانون فرهنگی بورش میبرند و آنرا به آتش میکشند و سپس با گاز اشک آور، نارنجک و مسلسل به کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن حمله میکنند. در تماس تلفنی ساعت ۷ بعدازظهر دوشنبه مسئول کانون در آخرین کلمات خود گفت: " ما تاکنون شلیک نکرده ایم. به ستاد دارنند شلیک میکنند. صدایش را می شنوید؟ گاز اشک آور انداخته اند... خفه شدم... " تلفن قطع شد. تا این لحظه دیگر از سرنواشت رفقای درون ستاد خبری دریافت نکرده ایم. اطلاع رسیده است که کمیته امام از سه روز پیش در تدارک بوده و با اعزام گروههای مسلح از بهشهر، گرگان، علی آباد، قوچان و تهران به شدت تقویت میشده است.

مردم از ساعت ۶ بعدازظهر دوشنبه با کندن سنگر جلوی محلات شروع به مقاومت میکنند. تعدادی از روستائیان ترکمن مسلح برای کمک به مردم به شهر می آیند. با وجود این نیروی مردم قابل مقایسه با نیروی وسیع ارتشی های نقابدار نبود سلاحهای مردم کهنه و قدیمی یا بدون مهمات گزارش شده است. تیراندازی تا ساعت هشت شب ادامه داشته است.

ساعت هفت صبح سه شنبه ۷ فروردین در تماس تلفنی با مردم کتبد شناسی گفت: " خانواده های میگوید " بچه ام را از ارتشی های نقابدار در روز باغ ملی تیر زدند. " او مجروح در بیمارستان افتاده، بیمارستان در اختیار آنهاست نمیگذارند بچه ام را ببینم... چرانمیگذارند؟... "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میکشند و خانه ها را در هم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟ "

اخطار بدولت در مورد تجدید سازمان ساواک

ما بارها بدولت هشدار داده ایم که نیروهای ضد خلقی و عوامل امپریالیسم و رژیم سابق و مامورین ساواک دست اندر کار توطئه هستند اما تاکنون گوش شنوائی وجود نداشته است. طبق اطلاع موفقی که بدست ما رسیده مامورین شناخته شده ساواک نظیر حسین زاده، منوچهری و عضدی به تجدید سازمان ساواک مشغولند. مطابق این اطلاعات موقی ناصر مقدم رئیس پیشین ساواک از طریق ایادی اس مشغول رهبری این جدید سازمان است و دولت هم با سامحه در مجازات این خائن عملاً دست اوار باز گذاشته است.

عناصر مشکوک در لباس مامورین کمیته امام هنوز به شکنجه مبارزین می پردازند

صبح روز یکشنبه پستی از دانش آموزان هوادار سازمان هنگام پخش اعلامیه در میدان خراسان تهران مورد حمله مامورین کمیته امام قرار گرفت و به شدت مضروب و مجروح شد. مامورین کمیته امام به این اکتفا نکردند و رفیق ما را به محل کمیته امام منطقه برده و به شکنجه وی می پردازند و او را به تخت شلاق می بندند. مامورین سپس به خانه او حمله ور میشوند و بدون اجازه به درهم ریختن اسباب و اثاثیه منزل او ایجاد ترس و وحشت می پردازند. ما این عمل بیشرمانه را به قضاوت هم میهنان و همه مبارزین راستین خلق می گذاریم و می پرسیم آیا تشابه روشنائیکه مدت ها ساواک

آقای بازرگان معنی این جملات چیست؟

آقای مهندس بازرگان در سخنرانی خود در تبریز گفت: " تعجب نکنید اگر من عرض میکنم که شاه اگر میگفت من شمارا به تمدن بزرگ میرسانم... این حقیقت بود، به اعتباری از حسن نیت بود. واقعا دلش میخواست ملت ایران را به بزرگترین قدرت جهانی برساند. این لازم روح استبداد است که خودش را موظف بداند به ملت و مردمش همه چیز برساند. " نقل از کیهان ۶ فروردین ۵۸ صفحه ۷

آقای مهندس بازرگان معنی این جملات چیست؟

آیا جنایتکاری چون شاه را به اعتباری " آدمی با حسن نیت " دانستن و وطن فروشی چون شاه را کسی که میخواهد " به ملت و مردمش همه چیز

رفقا!

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس

زیر ارسال نمائید:

تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده

سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

قرارداد سادات بگین

خیانت به ملت فلسطین است

قرارداد خائنه مصر و اسرائیل در روز دوشنبه ۶ فروردین توسط سادات و بگین در پیشگاه اربابشان کارتر در واشنگتن امضاء گردید. امضاء این قرارداد موجی از تنفر و انزجار را در بین نیروهای مترقی سراسر جهان برانگیخت. ما امضاء این پیمان ارتجاعی را که برای تثبیت سلطه امپریالیسم امریکا در منطقه خاورمیانه و از بین بردن حقوق خلق فلسطین طرح ریزی شده است، شدیداً محکوم میکنیم. ماهم بستگی خود را با خلق قهرمان فلسطین و نیروهای انقلابی خاورمیانه برای نابودی صهیونیسم و سلطه امپریالیسم و ایجاد فلسطینی آزاد و دمکراتیک اعلام میکنیم.

" ما بؤباد سلطه امپریالیسم در منطقه "

تاپای جان در کنار...

در وقایع اخیر کردستان ما شاهد بودیم که خلق کرد را ضد انقلابی و تجزیه طلب قلمداد نمودند و علیه مردم کردستان جنس ناخواسته ای به آنها تحمیل کردند. ارتش بی محابا مردم را به گلوله بست همان ارتشی که در دوران رژیم قبلی مردم را هدف قرار میداد و امروز با نام به اصطلاح " ملی " خانه ها را با بمباران ویران میکند و با همان هلی کوپترها به کشتار مردم دست میزند. آنچه در سنندج گذشت پرده از توطئه های مشترک عناصر ارتجاعی و سرلشکر قره نسی فرمانده ارتش ملی " بر میدارد و نشان میدهد که چگونه برای جلوگیری از تأمین حقوق ملی و دمکراتیک مردم کردستان آنها را قتل عام میکنند. اکنون معلوم میشود که چرا سرلشکر قره نسی ارتش را چنین با عجله و با استفاده از عناصر ضد خلقی تجدید سازمان کرده است.

از آنجا که سرکوب خلقها راه سلطه مجدد امپریالیسم را هموار میکند، از آنجا که سرکوب خلقها زمینه نفاق را به وجود می آورد و از آنجا که بدون احقاق حقوق و خود مختاری خلقها امکان ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک وجود ندارد، ما خواستهای برحق خلق کرد را تأیید میکنیم و سرکوب آنها را توسط عوامل امپریالیسم که در راس امور قرار گرفته اند، شدیداً محکوم و همگام با نیروهای مترقی تاپای جان در کنار خلقها خواهیم بود و از خواستهای برحق آنها دفاع خواهیم کرد.

" مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر ایران "

اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای پایمال کردن حقوق خلق کرد است

بخشی از اساسنامه شورای یک کارخانه

بخش اول - عنوان

در فصل اول اساسنامه این شورا (نامقدمه آن) آمده است که کارکنان این کارخانه در یک گروه همایی به این نتیجه رسیدند که در این لحظات حساس انقلاب که قدرت به تدریج از دست امپریالیسم و وابستگی داخلی آن خارج شده و منافع دلالان آ نهاد مردمی خطر قرار گرفته است ، هر لحظه سکنی است خدای ناکرده به - انقلاب شکوفا شده ما لطمه ای وارد ، آید " شوراهای قسمتی " که در راس آن " شورای مرکزی موقت انقلاب - اسلامی " قرار دارد ، را تشکیل دهند تا از هرگونه سوء استفاده و خرابکاری و - هرج و مرج جلوگیری کرده و فعالیتهای کارخانه را با هدفهای انقلاب هماهنگ نماید .

اساسنامه علاوه بر این فصل دارای چهار فصل دیگر هم هست که فصلهای سوم و چهارم و پنجم آن عینا چاپ میشود اما چون ماده یک فصل سوم از نظر مادارای ایراداتی است آنرا حذف کرده و بقیه فصل را می آوریم . علاوه بر آن در آخر طرح اساسنامه انتقاد تان را در این مورد به خود دیگر نیز تذکر داده ایم .

فصل دوم : گروهها :

۱- گروه بررسی طرحها ، این گروه بر حسب تشخیص میتواند هر یک از طرحها را بررسی و ضرورت یا عدم ضرورت اجرا ، آنرا با دلایل قابل قبول رد یا نماند کند .

۲- گروه خرید و فروش : وظیفه این گروه بررسی کلیه قراردادهای مالی ، خدمات ، خرید و فروش ، مناقصه و مزایده اعم از داخلی و خارجی و نظارت و تنظیم کابیه قراردادهای میباشد . لازم به توضیح است که کلیه قراردادهای این گروه به اطلاع اعضا شوراها برسد (اعم از قراردادهای انجام شده در دست اجرا یا لازم الاجرا در آتیته) .

۳- گروه نظارت بر امور انبارها ، وظیفه این گروه بررسی کار انبارها و محدود کردن اتلام آنها ، بر طبق احتیاج قسمتهاورده بندی آنها میباشد لازم به توضیح است که این امر باعث میشود بعضی از مسئولان اجرائی که فکر تکروی یا استقلال عمل یا خرابد های بیمورد و کلان و با نتیجه رکود و اتلاف سرمایه و بیت المال مسلمین را دارند نتوانند خود سرانه عمل کنند .

۴- گروه بررسی اسناد و مدارک : جمع آوری اطلاعات و کشف سوء - استفاده ها ، این گروه بررسی کلیه اسناد و مدارک و اطلاعات جمع آوری شده را جهت تشخیص سوء استفادهها و افشاکاری را بر عهده دارد .

۵- گروه استخدام و احکام : این گروه نظارت بر نحوه استخدام افراد و کنترل بموقع صدور و ترفیعات و احکام و جلوگیری از تبعیضات را بر عهده دارد .

۶- گروه فرهنگی و آموزشی ، وظیفه این گروه عبارتست از اجرای موارد ذیل با تصویب شورای مرکزی : الف - ایجاد کتابخانه مناسب برای بالا بردن سطح آگاهیهای اسلامی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی . ب - برگزاری مجالس سخنرانی بنا بر شرکت افراد آگاه کارخانه و دعوت از شخصتهای اسلامی ، اجتماعی و سیاسی . ج - ترتیب نمایش فیلم و اسلاید جهت آموزشهای فوق الذکر . د - انتشار خبرنامه هفتگی جمع آوری شده از اخبار داخلی ، افشاکاری سوء استفاده ها از طرحهای غیر اصولی و اعلام رویدادهای داخلی . ۷- گروه رفاه ، وظیفه این گروه عبارتست از : الف - نظارت بر اداره امور شرکت تعاونی . ب - نظارت بر امور مسکن

ج- نظارت در تأمین تفریحات سالم برای کارکنان و خانواده آنها از طریق مسافرتهاى دسته جمعی وسایر موارد .

د- نظارت بر امور وام ، اعصم از وامهای اعطائی و اعتبارات بانکی معرفیهای بانکی وسایر موارد .

۸- گروه انضباطی و نگهبانی : وظیفه این گروه نظارت بر تشریفات و تنبیه و جلوگیری از اخراج بیمورد کارکنان و رعایت صحیح نظام داخلی و نظارت بر امور نگهبانی کارخانه میباشد .

فصل سوم انتخاب شورا

۱- شوراهای قسمتی توسط کارکنان هر قسمت برای مخفی از کسانیکه آمادگی خود را برای کاندیدا شدن اعلام میدارند ، انتخاب میشوند . این شوراها وظیفه نظارت بر حسن انجام کلیه امور قسمت خود را طبق شرح وظایف ضمیمه که با توجه به اساسنامه شورای مرکزی تدوین و به تصویب آن میرسد ، دارد .

۲- شوراهای قسمتی برای مخفی از بین خود با توجه به سهمیه ذکر شده فوق ، نمایندگان شورای مرکزی را تعیین و به شورای مرکزی معرفی میکنند .

۳- شورای مرکزی از بین خود ۵ نفر را به عنوان اعضا هیئت رئیسه به سمتهای سرپرست ، معاون ، سرپرستی منشی ، صندوقدار و سخنگو برای اجرای تصمیمات شورای مرکزی انتخاب میکنند که طبق شرح وظایف ضمیمه اساسنامه عمل خواهند کرد .

۴- شورای مرکزی از بین خود اقدام به تشکیل گروههای ذکر شده در این اساسنامه میکنند . با توجه به اینکه هر یک از افراد شورای مرکزی - حداکثر میتواند در دو گروه عضویت داشته باشند .

فصل چهارم - وظایف شوراها .

الف - شوراهای قسمتی :

۱- اعضا ، شوراهای قسمتی ضمن نظارت بر امور قسمت ، بایستی با تشکیل جلسات ، صورت جلسات و گزارش کارهنگی حوزه را توسط اعضا تیکه در شورای مرکزی عضویت دارند به منشی تحویل دهند .

۲- در صورتیکه هر یک از اعضا شوراهای قسمتی ، وظایف خود را به نحو احسن انجام ندهند و در انجام آن قصور ورزند ، اعضای شوراهای قسمتی میتوانند با دلایل مستند و با اطلاع شورای مرکزی بعد از دو بار اخطار اقدام به جانشین کردن عضو علی - البدل بنمایند .

ب - شورای مرکزی :

۱- اعضا ، شورای مرکزی ضمن نظارت بر سازماندهی و رفع مشکلات شوراهای قسمتی و گروهها ، جلسات خود را بر حسب احتیاج تشکیل میدهند و تصمیمات متخذه را در صورت لزوم به اطلاع کلیه کارکنان میرسانند .

۲- در صورتیکه هر یک از اعضای شورای مرکزی وظایف خود را به نحو احسن انجام ندهند و در انجام آنها قصور ورزند ، سایر اعضای شورای مرکزی میتوانند با دلایل مستند پس از دو بار اخطار کتبی که رونوشت آن به شورای قسمتی ارسال خواهد شد از شورای قسمتی تقاضای معرفی نماینده جدیدی را بنمایند .

۳- در صورتیکه کارکنان هر قسمت از عضو خود در شورای این قسمت نمانند ، میتوانند با اکثریت آراء قسمت خود برکناری عضو مذکور را از شورای قسمتی یا مرکزی بخواهند که این تصمیم در شورای مرکزی قابل قبول میباشد .

فصل پنجم - بودجه

۱- برای تأمین مخارج شورای مرکزی از ۳۰ ریال حق عضویت تیکه کارکنان در وجه سندیکای منحل

برداشت مینمودند استفاده میگردد .

۲- مسئولیت مالی برداشت از مبالغ جمع شده و پرداخت مخارج با تصویب سرپرست هیئت رئیسه به عهده صندوقدار خواهد بود .

انتقادات :

۱- رفقای ما ، به هنگام ارائه وظایف " گروه رفاه " صحبتی از ایجاد صندوق بیکاری ، اعتصاب ، بازنشستگی و غیره نکردند . در حالیکه به خوبی از این امر آگاهند که بیکاری چه بعلت اعتصاب و چه بعلت دیگر شترتی است که در خانه هر کارگر و کارمندی میخوابد و به همراه خود مشکلات متعددی چه برای خود کارگر و چه برای افراد تحت تکفل او بوجود می آورد .

۲- رفقا در فصل سوم در مورد انتخابات شوراها ، پس از ذکر قسمتهای کارخانه (۱۵ قسمت) گفته اند که " بر حسب تعداد کارکنان شاغل در هر قسمت سهمیه ای تعیین شده است " اما متأسفانه رفقای ما در این مورد تناسب بین تعداد نمایندگان و تعداد کارکنان را رعایت نکردند . مثلاً از ۵۷۶ فرد شاغل در قسمت " پروژه ساخت تراکتور " هفت نماینده و از ۳۸۲ فرد شاغل " امور اداری " نیز هفت نماینده برای شورای قسمت انتخاب کرده اند . و برای شورای مرکزی نیز در هر دو قسمت بطور مساوی سه نماینده برگزیده اند . این عدم رعایت تناسب بین نمایندگان و کارکنان در هر قسمتهای دیگر برجسته تر از این هم هست ، موجب خواهد شد که عملاً نظریات بسیاری از کارکنان در نظر گرفته نشود . مثلاً ، قسمت " امور نظارت ساختمانی " با ۱۰ نفر شاغل ، یک نماینده در شورای مرکزی دارند ، در حالیکه ۶۸ نفر شاغل " پروژه ساخت موتور " هم یک نماینده دارد . و بدین ترتیب عملاً نظریات و آراء ۵۸ نفر از رفقای قسمت " پروژه ساخت موتور " در نظر گرفته نمیشود .

اعتصاب کارگران ذوب فلز برزیل

برزیل آماده میکند ، سندیکاهای این کشور که بیش از ۲۰۰ هزار کارگر صنایع ذوب فلز را در بر میگیرد ، روز ۲۳ اسفند اعتصاب نامحدودی را آغاز کردند . کارگران اعتصابی قبل از هر چیز خواستار افزایش دستمزدها هستند و نسبت به شاخص افزایش هزینه زندگی که توسط دولت ارائه شده است معترضند و خواستار پیشگیری از بیکاری هستند . اعتصابهای سائوپولو نمایانگر تغییراتی است که در برزیل در مورد مسائل کارو کارگری بوجود آمده است . سندیکاهای کوچک ایالات تحت نفوذ رهبران قدیمی هستند و اکثر پیشنهادهای کارفرمایان راتابه حال پذیرفته اند ، در حالیکه رهبران جوان سندیکاهای بزرگ در سائوپولو گرایشهای سازشکارانه ندارند .

از سوی دیگر رئیس دایره حفاظت منطقه سائوپولو اعلام کرده است که جنبش موسوم به " هماهنگی سوسیالیستی " اعتصابهایی را که منجر به فلج شدن کارخانه های مونتاز فولکس واگن ، فورد ، گراپسلر ، مرسدس بنز و غیره شده است دامن زده است .

رهبران سندیکاهای بنوبه خود سرکوب و فشار علیه کارگران اعتصابی را که تاکنون منجر به دستگیری بیش از ۳۰ کارگر شده است شدیداً محکوم کرده اند .

رهبران جوان سندیکاهای سازشکار نیستند .

برزیل - در حالیکه ژنرال " فی گدو " خود را - برای احراز مقام ریاست جمهوری

۲۹ اسفند .

برزیل - سائوپولو - اعتصاب کارگران منطقه صنعتی سائوپولو که به صورت یک زور آزمایی بین سندیکاهای کارگری و دولت درآمده است وارد دومین هفته خود شد . این اعتصابات که به منظور مطالبه اضافه دستمزد و حذف تبعیضات علیه نمایندگان سندیکا آغاز شده است ، اکنون به تدریج چهره سیاسی بخود گرفته است و سخنان رئیس جمهور جدید برزیل را در باره فضای باز سیاسی به محک سنجش گذاشته است . وزیر جدید کار برزیل هیئتی را مامور کرده است تا در مورد انگیزه سیاسی اعتصابات بررسی کند . ناگفته نماند که اعتصابات سیاسی در رژیم برزیل ممنوع اعلام شده است .

اعتصابات بخشهای خدمات عمومی دانمارک رافلج کرده است

این اعتصابها از یک سو بمنظور اعتراض به نحوه مذاکراتی است که با وزیرداری در مورد تجدید قرارداد های دسته جمعی صورت گرفته است . و از سوی دیگر اعتراض به پایین بودن حقوق کارکنان بخشهای خدمات عمومی نسبت به کارکنان بخش خصوصی است قابل توجه است که در دانمارک ، کارکنان بخش خدمات عمومی از نظر قانون حق اعتصاب ندارند .

دانمارک - کپنهاگ - روز ۲۴ اسفند بیش از هفتصد هزار کارمند و کارگر بخشهای عمومی ، دست به یک سری اعتصابهایی سابقه و بردامنه ای زدند که کشور را فلج کرد . کارمندان پست دست از کار کشیدند . انبوسهها متوقف شدند . معلمان در سراسر کلاسها حاضر نشدند ، کارکنان بیمارستانها دست از کار کشیدند و حتی کلاسهای زبان به تلفن خودداری کردند .



دروغ به روان پاک شهدای بخون خفته خلق

مردم مبارز سنندج
همانطوریکه اطلاع دارید عوامل شناخته شده ارتجاع درادامه به تحریکات وتوطئه چینیهایشان که از مدتها پیش جریان داشت سرانجام توانستند به هدف ضد مردمی خود یعنی تحمیل یک جنگ ناخواسته به مردم ما جامه عمل بپوشانند. آنها با تحریک نظامیان و اادار کردن آنها به شلیک به روی مردم و کشتار بی محابای خلق نه فقط طبق معمول برضد مردم اقدام نمودند بلکه برعلیه تصمیمات متخذه از طرف دولت آقای بازرگان که خودشان را مجری سیاستهای ایران معرفی کرده اند عملاً موضع گرفتند.

مردم مبارز سنندج
از آنجائیکه تا مین منافع عوامل ارتجاع درادامه یافتن جنگ خونین و هرچه بحرانی تر کردن وضعیت کنونی است چراکه نمره آن در شرایط کنونی قطعاً بسود خلق نیست نتجتاً بفع خلق و کلیه گروهها و سازمانهای انقلابی که در راه تحقق حاکمیت خلق کام بر میدارند درخشی کردن هرچه سریعتر این توطئه ها و پاپان بخشیدن به این جنگ تحمیلی است. از اینرو ما خود را موظف مینیم در این لحظه حساس نقش و موضع خودمان را در قبال وضعیت پیش آمده شرایط کنونی سرینا بیان نمائیم.

ما به هیچ وجه در آغاز این درگیری خونین که ماهیت آغازگران آن برای ما روشن و نتایج وخیم سیاسی - نظامی آن بسیار واضح بوده شرکت نداشتیم ولی درادامه کشتاری محابای خلق نظر به اعتقادیکه همیشه به دفاع از مردم داریم ، با این موضع که هرچه سریعتر جنگ خونین را متوقف و اوضاع را کنترل و آرام نمائیم در کنار مردم قرار گرفتیم. اینک ما دریگیری برای یافتن یک راه حل منطقی بایست نهاد آیت اله شیخ عزالدین حسینی ، روحانی مبارز و مترقی مواجه شده ایم. که خواهان آتش بس فوری و پایان دادن به جنگ گردیده است. ما از آنجائیکه اعتقاد داریم که این دعوت انگیزه مردمی دارد ، لذا با تمام وجودمان پشتیبانی خویش را از این پیشنهاد اعلام داشته و تمام امکانات خود را در راه پیاده کردن و عملی نمودن طرح پیشنهادی بکار میگیریم. ما با تاکید بر همکاری و همگامی کلیه نیروهای انقلابی که موضع همیشگی ماست ، بطور جدی از همه گروهها و سازمانهای مترقی و همچنین از کلیه میهن پرستان مبارز میخواهیم که با نغم بیشترو اوضاع کنونی ، نقش انقلابی خود را درخشی کردن توطئه های ارتجاع که چیزی جز زمینه سازی برای یورش وسیع امپریالیسم و ارتجاع داخلی نیست ، بطور قاطع ایفا نموده و پشتیبانی خود را از خواستهای مردم فوری مردم قهرمان سنندج اعلام دارند.

- ۱- آزادی کلیه بازداشت شدگان در پادگان.
- ۲- تضمین از سوی مقامات پادگان در مورد متوقف شدن جنگ در همه اشکال آن.
- ۳- تامین جانی و شفلی نظامیانی که با تازک پادگان هوشیارانه نشان دادند که به ماهیت توطئه های ضد مردمی بی برده و حاضر نشدند برادران خود را به رگبار گلوله ببندند.
- ۴- مجازات فوری کسانی که عامل تحریک و توطئه بودند.
- ۵- ادامه کنترل شهر توسط رزمندگانیکه هم اکنون محافظت شهر را برعهده دارند و ایجاد فوری زمینه مناسب برای بوجود آوردن یک ارگان اجرائی مردمی برای کنترل و اداره امور شهر.

تنگ بر توطئه چینیان و مزدوران
برقرار باد حاکمیت خلق
سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران - شاخه -
کردستان ۵۷/۱۲/۲۹

مادستور حمله به هیجیک از پادگانها را نداده ایم

" صدا و سیما انقلاب اسلامی ایران " از قبول خبرگزاریهای خارجی اعلام کرد که سنندج ، گنبد و برخی از مناطق دیگر توسط سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران تسخیر شده است.
برای ما این سخوال مطرح است که چرا " صدا و سیما انقلاب اسلامی ایران " بجای آنکه اخبار واقعی حوا دت کردستان و گنبد کاوز را که تا کنون صدها تن کشته و زخمی داشته است پخش کند ، اخبار تحریک آمیز و دروغین خبرگزاری های خارجی را که در بی ایجاد جنگ داخلی و تحکیم مجدد سلطه امپریالیسم در ایران هستند ، منتشر میکند ؟ آیا پخش اینگونه اکاذیب خبرگزاریهای خارجی ، بدون پخش اخبار واقعی به توطئه گران کمک نمیکند و خود تحریکات تجدیدی را در بی نخواهد داشت ؟

از سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران به به نخست وزیر

چنانکه اطلاع دارید ، تحریکات عوامل شناخته شده ارتجاع ، مردم غیور سنندج راه درگیری مسلحانه گشائیده است. این عوامل که سود خود را در وقوع جنگ داخلی دیده اند و متأسفانه در دستگاه دولت هم کسم نیستند ، میخواهند با تحریک نظامیان ، به شلیک به سوی مردم و کشتار بی محابای خلق ، عملاً مردم راه جنگی ناخواسته بکشانند.

آقای بازرگان ، شما چگونه اجازه میدهید عوامل شناخته شده ای که اسباب کشتار مردم را فراهم کرده و سیل خون به راه انداخته اند ، اعلامیه های تحریک آمیز صادر کنند ، آتش جنگ را برافروزند و نفرت مردم سنندج و خلق کرد را برانگیزند ؟ باتوجه به این حقایق ، سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران اعلام میدارد که به هیچوجه در آغاز درگیریهای خونین روزهای اخیر سنندج ، شرکت نداشته و ادامه کشتار مردم را که از جانب عوامل ارتجاع دامن زده میشود خیانت به خلق و خیانت به انقلاب میدانند. از این رو سازمان موکدا ، از دولت میخواهد که هرچه زودتر و به هروسيله ممکن که در اختیار دارد ، دستور آتش بس ، قطع جنگ و قطع کشتار مردم شهر را صادر نماید. لازم به تذکر است که از امروز صبح چهارهلی کوپتر با پرواز بفرز شهر و پادگان به کشتار وسیع و بی رحمانه مردم پرداخته اند. کشتار تا این لحظه به بهای جان بیش از صد نفر از خواهران و برادران هم میهن کرد تمام شده و صدها مجروح برجای نهاده است. دولت موظف است هرچه زودتر برای قربانیان و قایع روزهای اخیر و کتکهای فوری به آنها اقدام نماید.

۵۷/۱۲/۲۸

پیام به کارگران صنعت نفت

بمناسبت سالروز ملی شدن نفت
ساختن ایرانی آزاد رده کراتیک ، نطق کامل کنترل و تسلط امپریالیسم بر منابع ثروت و درواس آن صنعت نفت ، آرمان همیشگی و یکی از هدفهای عمده انقلاب است.
در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما ، نخستین طلعه حاکمیت ملی با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ، به کوشش و مجاهدت دکتر محمد مصدق پایدار شد.

در انقلاب شکوهمند خلقهای ما ، اعتصاب همگانی کارگران صنعت نفت و قطع صدور نفت به همراه نقشی که کارگران و زحمتکشان در قیام بعهدہ داشتند ، در خلق پد از غارتگران خارجی و شرکای داخلی آنان ، در عقب راندن امپریالیسم و درهم شکستن نظام منغور و بوسیده شاهنشاهی نقشی سرنوشت ساز ایفا کرد. به روشنی این نکته اثبات شد که طبقه کارگر میهن ما قادر است حاکمیت واقعی خلق را بر منابع ثروت ملی تامین نموده و دست بیگانگان و شرکای آنان را از صنعت نفت و بطور کلی از میهن ماکوتاه سازد اقدام انقلابی کارگران ، برای بدست گرفتن اداره و کنترل امور صنعت نفت به اعتراف امپریالیسم و نوکران داخلی آنان ، بیانگر توانائی طبقه کارگر در پایان بخشیدن به غارت و چپاول منابع ثروت ملی و رهائی میهن از تسلط امپریالیسم است.

سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران ، با ایمان و اعتقاد به توان انقلابی طبقه کارگر در تحقق آرمانهای اساسی خلقهای میهن ما ، سالروز ملی شدن صنعت نفت راه کارگران و سایر زحمتکشان تهنیت میگوید ، اعتقاد دارد که اداره و کنترل صنعت نفت باید به نفت گران سیرده شود. با امید به اینکه آرزوی همه زحمتکشان در بزرگداشت یکی از روزهای ملی و تاریخی میهن ما ، معنی واقعی خود را باز یابد.

۵۷/۲۱/۲۹

پیام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

چرا در فراندنم شرکت نمیکیم ؟
پیام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
مردم مبارز ترکمن صحرا
کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن وابسته به " ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا " موظف است که موضع خود را نسبت به شرکت با عدم شرکت در فراندنم روشن کند.

" ما در فراندنم شرکت نمیکیم " عدم شرکت ما در فراندنم آنطور که مرتجعین تبلیغ میکنند بمنزله تأیید حکومت وابسته به امپریالیسم شاه خائن نیست. و حمایت بی دریغ ما از بازپس گرفتن زمینهای غصب شده توسط عمال رژیم سابق بهترین گواه این مدعا است.
اینکه اسم حکومت آینده چیست مطرح نیست ، مسئله این است که محتوی این حکومت و شکل تحقق آن چیست ؟ آیا حکومت آینده سرمایه های خارجی با وابسته راملی میکند ؟ آیا اداره آنرا به دست شورای منتخب کارگران و زحمتکشان میسپارد ؟ آیا مجلس موسان را که شوراهای فوق به نسبت جمعیشان - تشکیل میدهند تأیید میکند ؟ آیا طرح حکومت پیشنهادی این مجلس موسان را تأیید میکند ؟ آیا برابری کامل حقوق زنان با مردان را تأیید میکند ؟ آیا حقوق حقه خلقهای ایران را بر اساس مفاد مندرج در قطعنامه های منتشر شده توسط خلقهای کرد ، بلوچ ترکمن و عرب تأیید میکند ؟

پیش قراولان جمهوری اسلامی تا امروز در قالب کمیته ها و پاسداران ، تمام موارد مذکور را به بازی گرفته و گاه مورد حمله قرار داده اند.
ما همچنین جریاناتی را که فرصت طلبانه به دنباله روی از جو سیاسی حاکم به قصد خزیدن در حکومت و کسب گوشه ای از قدرت پرداخته اند شدیداً محکوم مینمائیم و اعلام میداریم که تلاشهای مذبحوخانه این عناصر فرصت طلب در خلقهای ایران بویژه خلق آگاه ترکمن اثری نداشته و نخواهد داشت.

برقرار باد حاکمیت خلق
هرچه مستحکمتر باد پیوند خلقهای دلاور
ایران
۱۳۵۸/۱/۲

" یادبودی بر مزار شهدای سینا رکس آبادان " همزمان با تحویل سال جدید ، گورستان آبادان شاهد پر شورترین تجلیل های از شهدای سینا رکس بود.
نماینده سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران ضمن شرکت در این مراسم با پیامی به خانواده شهدا یاد آنها را گرامی داشته و خواستار مجازات مسببین این فاجعه ننگین شد.

اول ماه مه را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم -
سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران از تمام سندیکاها و نمایندگان کارگران ، سازمانهای انقلابی و سازمانهای دمکراتیک و ملی دعوت مینماید تا برای برگزاری مراسم اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) روز کارگر با کمیته برگزاری اول ماه مه این سازمان تماس بگیرند
آدرس - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق)
ستاد چریکهای فدائیی خلق ایران

ما همانگونه که بارها گفته ایم زویدادهای سنندج ، گنبد و دیگر نقاط میهن را نتیجه تحریکات و دسیسه های نوکران امپریالیسم و عوامل مزدور ساواک که با کشودن آتش به روی مردم و همراه با پخش شایعات تحریک آمیز ، زمینه جنگ داخلی و کشتار خلقهای ایران را بوجود میاورند ، میدانیم. مسلم بدانیم که از تشدید هر نوع درگیری و مخاصمه بین صفوف مردم تنها و تنها دشمنان خلقها سود خواهند برد. یک بار دیگر با صراحت و قاطعیت تمام اعلام میکنیم که سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران دستور حمله به هیچ یک از پادگانها و مراکز نظامی دیگر را صادر نکرده و نمیکند. ما همواره در برابر توطئه های ارتجاع و امپریالیسم ، در کنار مردم تا آخرین قطره خون خود ، از منافع خلقهای ایران دفاع خواهیم کرد.